**شناسنامه کتاب طلوع رحمت**

ویژه ربیع الاول و ربیع الثانی 93

**نام کتاب: طلوع رحمت ـ ویژه ماه ربیع الاول و ربیع الثانی 93**

موضوع: گزیدة اشعار، سرود و نوحه های ماه ربیع الاول و ربیع الثانی

ناظر کیفی: مرتضی نظری

گردآورنده: ایمان مقدم

پیاده سازی متون: محمدجواد پژوه

ناشر: کانون مداحان یاس کبود

طراح جلد: علیرضا زهره وند

 صفحه آرا: مجید اکبر زاده

تیراژ: 700جلد

نوبت و تاریخ چاپ: اول ـ 93

قیمت: 15000تومان

مرکز پخش: تهران ـ بزرگراه بسیج ـ خ شهید رحیمی ـ سازمان بسیج مداحان ـ مدیریت آموزش

تلفن : 35947738 ـ 021

روابط عمومی : 09127027457

نمابر : 33239719 ـ 021

سامانه پیام کوتاه : 660000026

صندوق پستی : 1781813113

نشانی الکترونیکی yasekabood.org@gmail.com

نشانی سایت: www.[yas135.com](http://www.yas135.com) www.[yas135.ir](http://www.yas135.com)

**پیشگفتار**

ظلمت جاهلیت جهان را فرا گرفته است، همه جا تاریکی و شب است، خفاش ها رهبری و هدایت مردم را به سوی گمراهی به دست گرفته اند. بت ها مورد پرستش هستند و بتخانه ها بازار گرمی دارند. خدا فراموش شده و از یادها رفته است. دلها همچون سنگ سفت و سخت شده اند و چون کویر شوره زاری بیش نیستند. جان ها به لب آمده است و نفس ها خسته اند. آه مظلومان بلند است و گویا منتظر رسیدن صبح هستند، صبح روشن با هوایی تازه و این انتظار به پایان می رسد و ناگهان، طلوع عشق، طلوع بهار، طلوع زندگی و طلوع رحمت از آسمان ندا می دهد: محمد آمد، محمد، رحمه للعالمین...

به راستی پیامبر(صلی الله علیه و آله)، برای مردم شایسته کردار و با ایمان و نیز مردم بداندیش و کفرگرا، رحمت است چرا که وجود گرانمایه او برای مردم با ایمان به خاطر هدایت به سوی حق و عدالت با گفتار و عملکرد شایسته و ارائه الگوی نیکو در دنیا و شفاعت در آخرت، رحمت است و برای مردم کفر گرا و حق ستیز در این جهان مایه رحمت از همه نابودی و عذاب و مسخ شدگی و انواع بلاها و گرفتاری ها است.

دشمنت هم ز تو جز رحمت و ایثار ندید

خوش به حال دل آن کس که شد از یارانت

وجود نورانی پیامبر رحمت و مهربانی فرموده است: «اِنَّ اللهَ بَعثََنی رحمةً للعالَمین» خداوند مرا مبعوث کرد تا رحمتی برای جهانیان باشم. (بحارالانوار، مجلسی، ج ۷۹، ص ۲۵۰)

امید است بتوانیم قدردان رحمت و مهر این پیامبر عظیم الشأن باشیم و دستانمان را از دامن پر مهرش جدا ننماییم.

کتاب «طلوع رحمت» برگ سبزی است تحفۀ درویش تقدیم به ساحت شریف حضرت پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) و وجود مقدس و نازنین حضرت صاحب الامر امام زمان(عجل الله فرجه). به امید گوشه چشمی...

این کتاب شامل شش بخش کلی می باشد:

* **اصول فنی**
* **در محضر اساتید**
* **برگی از تاریخ** که شامل چهار فصل می باشد:
1. غریب سامرا
2. رحمه للعالمین و امام آسمان ها
3. امام خوبی ها
4. شفیعه محشر
* **اشعار منتخب** که دارای هفت فصل می باشد:
1. مناجات با امام زمان(عجل الله تعالی فرجه)
2. شهادت امام عسکری(علیه السلام)
3. ایام تاجگذاری امام زمان(عجل الله فرجه)
4. ولادت پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) و امام صادق(علیه السلام)
5. ولادت امام عسکری(علیه السلام)
6. وفات حضرت معصومه(علیها السلام)
7. بصیرتی ـ اجتماعی
* **گلچین مجالس مداحان** که شامل هفت فصل می باشد :
1. شهادت امام حسن عسکری(علیه السلام)
2. ولادت پیامبراکرم(صلی الله علیه و آله) و امام صادق(علیه السلام)
3. ولادت امام عسکری(علیه السلام)
4. وفات حضرت معصومه(علیها السلام)
5. شورحسینی
6. شور علوی
7. نواهای بصیرتی
* **سبکهای یاس کبود**

لازم به ذکر است :

* بخش برگی از تاریخ با تحقیق و پژوهش در کتب معتبر استخراج و با ذکر سند جهت استفاده بهتر ذاکرین تدوین گردیده است .
* بخش اشعار منتخب از آثار مکتوب شعری موجود در کتب و وبلاگها و سایتهای شعرا گلچین شده است .
* همچنین قسمت گلچین مجالس، از روضه و سبکهای سینه زنی که توسط مداحان اهل بیت(علیهم السلام)در ایام ربیع سال گذشته اجرا گردیده، گردآوری شده است.
* متن جزوه به ترتیب مناسبت های ماه ربیع می باشد.
* بخش در محضر اساتید از دروس تدریس شده توسط اساتید محترم در مجمع ادبی مذهبی یاس کبود می باشد که سعی شده است، با توجه به مناسبتهای ماه ربیع در اختیار عزیزان قرار گیرد.
* بخش سبکهای تولیدی، از سبکهای تولیدی اعضای کانون مداحان یاس کبود تهیه گردیده است.

**نکات قابل ذکر در این مجموعه عبارت است از:**

1. هدف از جمع آوری این جزوات عبارت است از:
* دسترسی به اشعار و مطالب مورد نیاز ذاکرین اهل بیت (علیهم السلام) پیرامون مناسبت های ایام ربیع
* در جریان قرار گرفتن ذاکرین از برنامه های اجرا شده مناسبتهای این ماه در سال قبل توسط ذاکرین اهل بیت(علیهم السلام)
* دسترسی ذاکرین در حال فراگیری، به سبکهایی که در محافل بدان نیازمندند همراه با الگوی صوتی خوانده شده.
* دسترسی ذاکرین در حال فراگیری، به جملات غیر شعری مورد نیاز که در بیان مداحان باتجربه، صیقلی نسبی خورده باشد.
1. اشعارمتوسط و قوی به صورت توأمان دراین مجموعه ملاحظه خواهدشد.
2. صوت برخی از اشعار ـ برای آشنایی ذاکرین محترم ـ در سی دی موجود است اما به علت اشکال اعتقادی و یا ادبی ، از جزوه حذف گردیده و یا عباراتی جابه جا شده است، فلذا ذاکرین محترم در هنگام استفاده از این گونه اشعار به پاورقی ها عنایت و از خواندن آنها پرهیز نمایند.
3. در حد امکان و شناخت، سبکهای نوحه و سرودی که از نظر شرع مبین اسلام ، اشکال ریتمی و یا محتوایی دارند ، حذف گردیده اند، اما در صورتیکه مصداقی بین سبکها و اشعار مشاهده شد که از روی سبکهای غیرمجاز ساخته شده است و یا اشکال اعتقادی دارد، این مجموعه را مطلع فرمایید تا نسبت به حذف آن اقدام نماییم.

از کلیة عزیزانی که مارا از نقطه نظرات خود بهره مند می سازند ، پیشاپیش تشکر و قدردانی می نماییم.

**گروه جزوات فوق برنامه**

**کانون مداحان یاس کبود**

**منویات ولایت**

**محبت و عطوفت منطقی**

از اولِ تاریخ تشیع تا امروز، یک عنصر اصلی و اساسی در تشیع و جریان تشیع، همین جریان عاطفی است؛ البته عاطفه‌ی متکی به منطق، عاطفه‌ی متکی به حقیقت، نه عاطفه‌ی پوچ. لذا شما در قرآن هم ملاحظه می کنید که اجر رسالت، محبت و مودت در قربی است؛ «قل لا اسئلکم علیه اجرا الّا المودّة فی القربی[[1]](#footnote-1)». این خیلی نکته‌ی مهمی است که باید به آن توجه داشت. خدشه‌دار کردن این محبت به هر شکلی و به هر صورتی، خیانت به جریان عظیم محبت اهل‌بیت و پیروی اهل‌بیت است. این محبت را باید حفظ کنید. لذا شما می بینید در دوران ائمه (علیهم‌السّلام) این همه محدثین، این همه شاگردان آگاه و فقهای بزرگ در خدمت امام صادق (علیه‌السّلام)، امام باقر (علیه‌السّلام) و ائمه‌ی دیگر بودند، معارف را نقل کردند، احکام را نقل کردند، شرایع را نقل کردند، اخلاقیات را نقل کردند، شنیدند و نقل و ثبت کردند؛ اما در کنار همه‌ی اینها، باز وقتی انسان درست نگاه می کند، می بیند نگاه به دعبل خزاعی است، نگاه به سید حمیری است، نگاه به کمیت بن زید اسدی است. در حالی که امثال زراره و محمدبن‌مسلم و بزرگانی از این قبیل در دستگاه ائمه (علیهم السلام) هستند، اما امام رضا (علیه‌السّلام) دعبل را می نوازد؛ امام صادق (علیه السّلام) سید حمیری را مورد توجه و محبت قرار می دهد؛ این به خاطر این است که آن جنبه‌ی ارتباط عاطفی و محبت‌آمیز، در شعر شاعران، مدح مادحان و ذکر ذاکران، به نحو اتمّ و اوفی وجود دارد، اما در دیگر جاها وجود ندارد؛ یا اگر هست، ضعیف است؛ یا اینجوری بگوئیم، تأثیرگذاری آن ضعیف است. شعر، مدح، ذکر، این نقش را در تاریخ تشیع دارد.

**بهره برداری صحیح از فرمایشات اهل بیت(علیهم السلام)**

خوب، امروز شما اکثر افرادی که در این جلسه حضور دارید، مادحان و ذاکران و ستایشگران اهل‌بیت(علیهم السلام) هستید؛ پس این مرتبه‌ی بالائی است. قصد من این نیست که شما را برای این حرفه‌ای که در پیش گرفتید یا مسئولیتی که بر دوش گرفتید - که یقیناً با محبت و عشق همراه است - تثبیت کنم؛ خوب، این تحصیل حاصل است؛ شما در این مسیر با میل و اراده و علاقه‌ی خودتان وارد شدید و ان‌شاءاللَّه مشمول توجهات و ثواب الهی و توجه اهل‌بیت (علیهم‌السّلام) هم قرار دارید؛ اما مقصود من این است که این جریان را درست بشناسیم و آنچنان که مورد توجه ائمه (علیهم‌السّلام) است، از آن بهره‌برداری کنیم. من می خواهم این را عرض بکنم به شما برادران عزیزی که ذاکر اهل‌بیت هستید و در سلسله‌ی مداحان و جامعه‌ی مداحان و ذاکران اهل‌بیت قرار دارید. این کار، کار شریفی است؛ کار ارزشمندی است؛ در بقای تشیع، در حفظ ایمان شیعی و معرفت شیعی و پیروی از اهل‌بیت (علیهم‌السّلام) نقش‌آفرین است؛ این را قدر بدانید.

**مداح یا مبلغ دین اسلام**

یکی از عواملی که می تواند این کار بزرگ را انجام دهد، همین گسترش معارف اسلامی و معنوی و انقلابی به شکل روشن و پراکندن هرچه بیشتر محبت اهل‌بیت(علیهم السلام) در دلها و در روحهای انسانهاست؛ این مسئولیتی است که امروز همه‌ی ما داریم؛ مداحان هم بخشی از این مسئولیت را دارند، که بخش مهمی هم هست. با این چشم به حرفه‌ی مداحی نگاه کنید. وقتی آنجا می ایستید برای خواندن، احساس کنید که به عنوان یک مبلّغ دین، به عنوان یک پیام‌آور حقائق دینی، در اثرگذارترین شکل، آنجا ایستاده‌اید. اگر این احساس وجود داشت، آن وقت انتخاب شعر محدودیت پیدا می کند، کیفیت ادا محدودیت پیدا می کند، انسانهائی که میخواهند این مسئولیت را انجام بدهند، محدودیت پیدا می کنند؛ چاره‌ای هم نیست. این کار را خود شما باید بکنید؛ کار خود مداحهاست. [[2]](#footnote-2)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**وصیت نامه شهدا**

 **شهید جواد احسانی**

با سلام بر يگانه منجي عالم بشريت، آقا امام زمان(عجل الله فرجه)و نايب بر حق ايشان ، امام امت، ياور مستضعفين و با سلام و درود بيکران بر خانواده هاي اين عزيزان. سلام بر پدر و مادر عزيزم ، اميدوارم که اين فرزند نا قابل خود را حلال کرده و برايم هميشه نزد خداي مهربان، دعا کنيد و از رفتن من هيچگونه ناراحتي به خود راه ندهيد، بلکه افتخار هم بکنيد که اين امانت الهي را خوب به مقصد رسانده ايد. مادرجان، تو بايد مانند زينب باشي که در برابر آن همه مصائب [کربلا](http://www.yademanisar.ir)، با اراده و هدفش همچنان استوار باقي ماند. از همه ي برادران عزيزم مي خواهم که اين برادر خود را به بزرگواري خود ببخشند. از کليه ي دوستان و آشنايان مي خواهم که اين بنده ي حقير را ببخشند[.](http://www.yademanisar.ir)

**شهید سیدحسن یاسینی**

الان زمانى است كه ديگر بايد از خواب خرگوشى بيدار شد و ديد كه ما در چه زمانى قرار گرفته ايم[.](http://www.yademanisar.ir)

بايد هوشيار باشيد كه وظيفه شما در اين زمان چيست. الان زمانى است كه بايد دشمن را به زانو درآورد.

**بخش اول؛ اصول فنی**

**اختلالات زير و بمي صدا**

گاهی در بحث زیر و بمی صدا اختلالاتی رخ می دهد، این اختلالات عبارتند از:

الف: زير و بمي يكنواخت

ب: زير و بمي نامناسب

ج: قطعي زير و بمي

**الف: زير و بمي يكنواخت:**

در اين حالت فرد در طول گفتار با فقدان تغييرات در زير يا بمي صدا مواجه است بطوريكه از ديد شنونده گفتار وي يكنواخت و كسل كننده است. در برخي موارد شخص مورد نظر اصولاً توانايي ايجاد تغيير در زير يا بمي صداي خود را ندارد. زير و بمي يكنواخت يكي از علائم صدمات عصبي محسوب مي شود. همچنين ممكن است در اثر ويژگيهاي شخصيتي و مشكلات رواني بوجود آيد.

**ب: زير و بمي نامناسب:**

در اين حالت زير يا بم بودن صدا، با توجه به سن و جنس فرد غير طبيعي است بعنوان مثال زني كه صداي او بم و مردانه شده و مردي كه صدايش كاملاً زنانه به نظر مي رسد به زير و بمي نامناسب مبتلا شده اند. زير و بمي صدا به اندازه حنجره و تارهاي صوتي بستگي دارد.

يك صداي بيش از حد زير ممكن است به علت مشكلاتي چون عدم رشد طبيعي حنجره بر اثر اختلالات هورموني باشد. صداي بيش از حد بم نيز مي تواند به علت پر كاري تيروئيد و يا استفاده از هورمون در زنان باشد. همچنين زير يا بمي بيش از حد مي تواند به دليل مشكلات عاطفي و يا در اثر عادت بوجود آمده باشد.

**ج: قطعي زير و بمي:**

در اين اختلال زير يا بمي صداي فرد ناگهان و بطور غير منتظره تغيير مي كند. اين مشكل در مردان جواني كه در دوران بلوغ به سر مي برند و صدايشان در حالت تغيير به صداي بم و مردانه مي باشد، بيشتر ديده مي شود. مشكلات عاطفي دوران بلوغ، ضايعات حنجره و ناتواني اعصاب حنجره اي از جمله علل ايجاد قطع زير و بمي مي باشد. [[3]](#footnote-3)

**نكات كلي پيرامون زير و بم صدا**

**آیا زیر و بمی صدا قابل تغییر است؟**

از نظر علمی ممکن است، مثلا برخی از داروها در طول و ضخامت تارهای صوتی تأثیر می گذارند و در نتیجة استفاده از این داروها ممکن است صدا زیرتر یا بم تر می شود، اما این کار به علت مضراتی که دارد توصیه نمی شود.

**چه كنيم صدايمان پخته شود؟**

برخی از هنرجویان سؤالی برایشان مطرح می شود که چه کنیم صدایمان کلفت شود؟ وقتی در جواب به این افراد می پرسیم مثلا دوست دارید صدایتان مثل چه کسی شود؟ نام کسی را می برند که می بینیم اتفاقا این فرد صدایش زیر است اما به علت ممارست صدایی پخته دارد. از این رو پی می بریم که منظور این افراد در سؤال این است که چه كنيم صدايمان پخته شود؟در جواب بايد گفت؛ با تمرين و ممارست و كسب تجربه ، به مرور صدا پخته و جا افتاده خواهدشد.

**از صدای چه کسی تقلید کنیم ؟**

چارچوب کلی فراگیری مداحی شامل دو مرحله کلی می شود که عبارت است از: مرحله تقلید و مرحله استقلال. عزیزانی که در مرحله تقلید هستند گاهی سؤال می کنند از صدای چه کسی تقلید کنیم؟ گویا ریشه این سؤال این است که شاید شباهت با صدای استاد هنرجو را در یادگیری کمک کند. در جواب این افراد می گوییم: آن چه باید مورد تقلید واقع شود سبک و روش مداحی است که غالبا ممکن است با صداهای مختلف پیاده شود؛ در نتیجه سبک و روش صحیح و مورد تأیید اساتید با صداهای مختلف برای افراد مختلف با تن صدای مختلف قابل تقلید است و اساسا نباید از صداي استادي تقليد کرد و نباید در خواندن، تُن صدا را تغيير داد. البته ناگفته نماند که اگر استادی یافت شد که هم سبکش مورد تأیید اساتید است و هم صدای ما به تن صدای او نزدک است، برای الگوی تقلید مناسبتر به نظر می رسد.

**از سبک چه کسی تقلید کنیم؟**

همانطور که در بحث قبل بیان شد، چارچوب کلی فراگیری مداحی شامل دو مرحله کلی می شود که عبارت است از: مرحله تقلید و مرحله استقلال. در مرحله تقلید باید به پیشنهاد و تحت نظر اساتید الگوهای مورد نظر را بیاموزیم و در مرحله استقلال گلهای خواندن اساتید مختلف را بچینید و از کسی تقلید کنید که خواندنش را دوست دارید.

**برای مداحی کدام نوعِ صدا بهتر است؟**

گاهی هنرجویان می پرسند: برای مداحی کدام نوعِ صدا بهتر است؟ در جواب باید دانست که می توان خواندن را به دو روش کلی برگزار کرد؛ الف) به روش فن محور: که محوریت آن با رعایت فنون و هنر مداحی است ب) به روش محتوا و معنویت محور: که اساس آن محتوا و معنویات است. در مداحی فن محور صدای زیر و بم هر یک خصوصیت خاص خود را دارند و در بخشهایی بهتر به نظر می رسند اما برای مداحی محتوا محور و معنویت محور، تفاوتی بین صداها نیست و صدا مرکبی است که محتوا را به مستمع منتقل می کند که حاصل این انتقال محتوا بایستی رشد و ارتقای معنوی باشد.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش دوم؛ در محضر اساتید**

**چرا امر به معروف و نهی از منکر نمی کنیم؟**

در مقابل واجبات الهی هیچ معارضی وجود ندارد، شما صبح تا شب نماز بخوانید و روضه بگیرید کسی متعرض نمی شود اما یک سری احکام الهی هستند که معارض پیدا می کنند مانند جهاد و امر به معروف.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر را نمی دانیم؛ کافی است همین یک حدیث را بیاموزیم تا اهمیت امر به معروف را بدانیم، امیر المومنین(علیه السلام) فرمودند: **« وَماأعمالُ البِرِّ كُلُّها وَالجِهادُ فى سَبيلِ اللّه‏ِ عِندَ المرِ بِالمَعرُوفِ وَالنَّهىِ عَنِ المُنكَرِ إِلاّ كَنَفثَةٍ فى بَحرٍ لُجِّىٍّ[[4]](#footnote-4) »** ـ همه كارهاى خوب و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهى از منكر چون قطره‏اى است در درياى عميق ـ چون همه ی فریضه های دیگر به واسطه امر به معروف ونهی ازمنکر احیا می شود ولی ما اهمیتش را نمی دانیم فلذا بی تفاوتیم. پیامبر فرمودند: «خدا از مومنی که دین ندارد نفرت دارد» گفتند: مومنی که دین ندارد کیست؟ فرمود: «کسی که نهی از منکر نمی کند»

 به واجب بودنش توجه نداریم، اگر نمازمان دیر شود دلمان آشوب دارد که دیر شد، ولی اگر جایی یک نفر مرتکب منکر شود و ما او را نهی نکنیم، دلمان آشوب ندارد و احساس تکلیف نمی کنیم. امر به معروف مستحب نیست! واجب است؛ اگر امر به معروف نکردیم باید استغفار کنیم.

چون نتایج خطرناک و ویرانگر ترکش را نمی دانیم، نمی دانیم اگر امر به معروف ونهی از منکر نکنیم چه اتفاقی می افتد!

می ترسیم مبادا اتفاق ناگواری بیافتد، امیر المومنین(علیه السلام)  جواب این ترس را می دهند، می فرمایند: **«إنَّ الأمرَ بِالمَعروفِ وَالنَّهىَ عَنِ المُنكَرِ لا يُقَرِّبانِ مِن أَجَلٍ وَلا يَنقُصانِ مِن رِزقٍ[[5]](#footnote-5) » ـ** امر به معروف و نهى از منكر نه اجلى را نزديك مى‏كنند و نه از روزى كم مى‏نمايند ـ چند میلون نفر در سال امر به معروف می کنند؛ حالا یک نفر آدم ناجور پیدا می شود که به او ضربه بزند، آیا به واسطه آن یک نفر باید امر به معروف را ترک کرد؟! سالی بیست هزار نفر سوار ماشین می شوند، تصادف می کنند و می میرند؛ آیا دیگر ما سوار ماشین نمی شویم؟ در جایی که امر و نهی خیلی مهم است آنجا دیگر برای جان دادن هم باید آماده بود؛ امام حسین(علیه السلام) فرمود: **« و إنّما خَرَجْتُ لِطَلَبِ الإصلاحِ في أمّةِ جَدّيأريدُ أنْ آمُرَ بالمعروفِ و أنهَي عن المنکرِ[[6]](#footnote-6) »** در جایی که طاغوتی مانند آمریکا هست برای امر به معروف جان هم باید داد، البته برای مسائل کوچک باید وزن کشید. ما هم اشتباه می کنیم و امر به معروف و نهی از منکر را با زبان تند انجام می دهیم.

نا امیدی دلیل و حجت برای ترک امر به معروف نمی شود، اگر ما بخواهیم مایوس شویم و بگوییم ((انقدر زیاد شده است! من چه بگویم؟ به کی بگویم؟!)) **«كَمْ مِنْ فِئَه یٍ قَلیلَه یٍ غَلَبَتْ فِئَه یً كَثیرَه یً بِإِذْنِ اللَّهِ** **[[7]](#footnote-7)»** ـ چه بسا که عده ای اندک بر گروهی خیلی بزرگ پیروز می شوند، این وعده الهی است ـ **«ان تنصر الله ینصرکم»** اگر ما چنین دلیلی بیاوریم که مایوس هستیم پس همه پیغمبران کارهایشان باطل بوده است،حضرت نوح نهصدو پنجاه سالتبلیغات کردند، امر به معروف ونهی از منکر کردند، آخر چند نفر با ایشان سوار شدند، **« وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلا قَلِیلٌ**[[8]](#footnote-8) **»** نهصد و پنجاه سال تبلیغ کردند هفتاد الی هشتاد نفر سوار برکشتی شدند، پس ما در جامعه ایمانی، در جامعه ای که ولایت فقیه حاکم است و همه پذیرفته اند و سوار کشتی نوح شده اند، آیا می توان به خاطر نداشتن صبر و حوصله نماز نخواند؟

هیچ موقع ما نمی توانیم به خاطر خجالت واجب الهی را ترک نمائیم، مثلا بگوئیم خجالت می کشم نماز بخوانم، روزه بگیرم، زکات بدهم و...

امام رضا(علیه السلام)  بفرمائید: **«** **احب اخواني الي من اهدي الي عيوبي»** ـ محبوبترين برادر ،نزد من، كسي است كه عيبهايم را به من اهدا كند ـ خودمان هم باید انتقاد پذیر باشیم، نهی از منکر پذیر باشیم، امر به معروف پذیر باشیم، خودمان هم در بعضی مواقع نمی پذیریم، اگر یک نفر به ما بگوید این کارت اشتباه بود عصبانی می شویم اما باید از او تشکر کنیم، این را باید فرهنگش کرد.

شیوه امر به معروف را بلد نیستیم، این شیوه ها خیلی مهم هستند.

این فریضه را به گردن دیگران می اندازیم. می گوییم احتمال تاثیر باید باشد، حکم شرعی احتمال تاثیر است نه قطعیت تاثیر، اگر یقین نداری که تاثیر ندارد یعنی احتمال می دهیم که اگر تاثیر می گذارد انجام دهیم

**نکته آخر**

اگر زمان طاغوت هم باشد امر به معروف واجب است، امام راحل فرمودند: اگر می خواهید همه چیز اصلاح شود هر کس هر جا هست کار خودش را درست انجام دهد، شرط امر به معروف و نهی از منکر احتمال تاثیر است، به بهانه اینکه من خودم این گناه را انجام می دهم نمی شود امر به معروف را ترک کرد، در امر به معروف شرط عدالت لازم نیست، شرط عدم ارتکاب گناه لازم نیست، عین متن تحریر الوسیله است، در رساله شرط ندارد که اینجا باید خودت بی گناه باشی و آدم معصومی باشی که امر و نهی کنی، یا بگویی ریا می شود؛ در رساله آمده است که قصد قربت لازم نیست.[[9]](#footnote-9)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش سوم؛ برگی از تاریخ**

**فصل اول؛ غریب سامرا**

**خبر شهادت**

ابو الادیان می گوید : من از خدمتکاران امام حسن عسکری ( علیه السلام ) بودم و نامه های آن حضرت را به اطراف و شهرها می بردم ، آن حضرت بیمار و بستری شد. به همان بیماری که رحلت کرد ، به حضورش رسیدم ، نامه هائی که برای مردم مدائن نوشته بود به من داد و فرمود : این ها را به مدائن ببر، و تو پس از پانزده روز مسافرت وقتی که به شهر سامره باز گشتی ، از خانه ی من صدای گریه و عزاداری می شنوی و پیکر مرا روی تخته ی غسل می نگری.[[10]](#footnote-10)

**نماز بر بدن مطهر امام( علیه السلام )**

عقید غلام آن حضرت آمد و به جعفر گفت : ای آقای من پیکر مطهر برادرت کفن شد ، برای نماز بیا ، جعفر و شیعیان اطراف او وارد خانه شدند ، من نیز همراه آنها بودم ، و در برابر جنازه ی کفن شده امام حسن عسکری (علیه السلام) قرار گرفتیم. جعفر پیش آمد تا نماز بخواند ، همین که آماده ی تکبیر شد ، کودکی که صورتی گندم گون ، و موی سرش به هم پیچیده و بین دندانهایش گشاده بود به پیش آمد و ردای جعفر را گرفت و کشید و گفت : «تَأَخَّر یا عَمِّ فَاَنَا اَحَقُّ بِالصَّلاةِ عَلی اَبی ای عمو! به عقب برگرد، من سزاوارتر به نماز خواندن بر جنازه ی پدرم هستم.[[11]](#footnote-11)»

**در بستر شهادت**

در ساعات آخر، بیماری آنچنان بر آقا شدید بود که آن حضرت توان دوا خوردن را نداشت، به غلامش عقید فرمود : به آن حجره برو کودکی را می بینی که در پشت پرده به سجده افتاده است، او را بیاور، غلام به آنجا رفت و آن کودک را در حال سجده دید، کودکی که چهره ای درخشان، و موی سرش به هم پیچیده، وبین دندان هایش گشاده بود، نزد پدر آمد، وقتی که نگاه امام حسن(علیه السلام) به او افتاده گریه کرد و فرمود: «یاسَیِّدَ اَهلِبَیتِهِ اِسقِنِی الماءَ فَاِنّی ذاهِبٌ اِلی رَبِّی ای سرور اهل خانه ی خود ، به من آب بیاشام ، همانا من به سوی پروردگارم می روم،(وفاتم نزدیک است.[[12]](#footnote-12))

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**فصل دوم؛ رحمه للعالمین و امام آسمان ها**

**ولادت پیامبر(صلی الله علیه و آله)**

چون حضرت متولد شد، به سجده رفت و مانند کسی که دعا کند و تضرع نماید ، دستها سوی آسمان کرده و ایستاده بود و دیدم که ابری سفید از آسمان فرود آمد و او را در بر گرفت و از نظرم غایب گشته، ندایی رسید که : وی را در موالید انبیاء بدارید و تشریف ملت ابراهیم در او پوشید و بر پدرش ابراهیم عرض کنید و به دریاها برید تا اهل دریاها بدانند که نام این ماحی است که دنسِ کفر و شرک ، در زمان وی محو گردد.[[13]](#footnote-13)

**مفتاح نبوت**

بعد از لحظه ای او را دیدم در صوف سفید پیچیده ، کلیدی در دست مبارک وی و گوینده ای می گفت : این محمد است که مفتاح نبوت و نصرت در دست اوست و بعد از لحظه ای قطعه ای ابر پایین آمد که آواز اسب و بانگ بالهای مرغان از آن فهم می شد و محمد از نظرم غایب گشت و بعد از زمانی دیر ، باز ندایی رسید که او را در اطراف زمین بگردانید و بر روحانیان جن و انس عرضه کنید و به روایتی نبوت آدم و قوت و رقت نوح و خلت ابراهیم و سنت اسحاق و فصاحت اسماعیل و بشارت یعقوب و جمال یوسف و صوت داوود و زُهد یحیی و کرم عیسی به وی ارزانی دارید و او را در بحر اخلاق انبیاء و رسل غوطه دهید.[[14]](#footnote-14)

**روایتی دیگر**

شخص سوم حریر پاره ای در دست داشت که خاتم وی درآن بود و صاحب طشت محمد(صلی الله علیه و آله) را در طشت نشانید و آب بر وی می ریخت تا هفت نوبت شسته شد و آن سه نفر پای او را بوسه دادند و رضوان که صاحب حریر بودند، او را در این حریر پیچیدند و به مشک از فر مطیّب گردانیدند و لحظه ای او را در زیر پر خود گرفتند ؛ چون از زیر پر بیرون آوردند ، حدیث بسیار با وی بگفت که مرا از آن سخنان هیچ معلوم نشد و تعویذی بر وی خوانده، دست بر پشت و سر او مالید و گفت : ای محمد ، بشارت باد تو را که علوم انبیاء در دل تو ودیعت نهادیم وتو اعلم و اشجع ایشان باشی و کلید بهشت در دست توست و هیبت تو چنان در دلها نهادیم که مردم به مجرّد آوازه تو لرزان و هراسان باشند.[[15]](#footnote-15)

**امام آسمان ها**

اسم آن حضرت جعفر بود و کنیه ی شریفش ابو عبدالله و القاب آن حضرت صابر و فاضل و طاهر و صادق بود که مشهور ترین القاب آن جناب، صادق است . ابن بابویه و قطب راوندی روایت کرده اند که: از حضرت امام زین العابدین(علیه السلام) پرسیدند که: امام بعد از تو کیست ؟ فرمود: محمد باقر که علم را می شکافد . پرسیدند که: بعد از او امام که خواهد بود ؟ فرمود : جعفر که نام او نزد اهل آسمان ها صادق است. گفتند : چرا به خصوص او را صادق می نامند و حال آنکه همه شماها صادق و راستگویید ؟ فرمود که: خبر داد مرا پدرم از پدرش رسول خدا (صلی الله و علیه و آله ) که آن حضرت فرمود : چون متولد شود فرزند من ، جعفر بن محمد بن علی بن الحسین (علیهم السلام) او را صادق نامید، زیرا که پنجم از فرزندان او جعفر نام خواهد داشت و دعوی امامت خواهد کرد به دروغ از روی افترا و او نزد خدا جعفر کذّاب یعنی افترا کننده بر خدا است . پس حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) گریست و فرمود: گویا که می بینم جعفر کذّاب خلیفه ی جور زمان خود را بر تفتیش و تفحّص امام پنهان ،یعنی صاحب الزّمان (عجل الله فرجه) برانگیخته است.[[16]](#footnote-16)

**در وصف مادر**

والده ی ماجده ی آن حضرت ، نجیبه ی جلیله ی مکرمه علیا ، جناب فاطمه مسماه به ام فروه ، بنت قاسم بن محمد بن ابی بکر است که حضرت صادق (علیه السلام) در حق او فرموده: «کانَت اُمّی مِمَّن امَنَت وَاتَّقَت وَاَحسَنَت وَاللهُ یُحِبُ المُحسِنین» مادرم از جمله زنانی بود که ایمان آورد و تقوا و پرهیزکاری را اختیار کرد و احسان و نیکوکاری نمود و خدا دوست دارد نیکوکاران را. همانا حضرت صادق (علیه السلام) در این کلمه ی موجزه وصف کرده آن مخدره را به تمام اوصاف شریفه همان طور که حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) در جواب همّام بن عباده که سوال کرد از آن حضرت که وصف کند برای او متّقین را اکتفا کرد به کلمه «اِتَقِ اللهَ وَ اَحسِن فَاِنَّ اللهَ مَعَ الَّذینَ اتَّقَوا وَالَّذینَ هُم مُحسِنُونَ.»

علما در شرح آن گفته اند که گویا مراد از تقوا اجتناب کردن است از آنچه خدای تعالی نهی فرموده ، و احسان بجا آوردن هر چیزیست که حق تعالی به آن امر فرموده است.[[17]](#footnote-17)

**فضیلت میهمان بر میزبان**

محمّد بن قيس حكايت كند: روزى در محضر مبارك امام جعفر صادق (عليه السلام) نام گروهى از مسلمانان به ميان آمد و من گفتم : سوگند به خدا، من شب ها شام نمى خورم ، مگر آن كه دو يا سه نفر از اين افراد با من باشند؛ و من آن ها را دعوت مى كنم و مى آيند در منزل ما غذا مى خورند.

امام صادق عليه السلام به من خطاب كرد و فرمود: فضيلت آن ها بر تو بيشتر از فضيلتى است ، كه تو بر آن ها دارى .

اظهار داشتم : فدايت شوم ، چنين چيزى چطور ممكن است ؟!

در حالى كه من و خانواده ام خدمتگذار و ميزبان آن ها هستيم ؛ و من از مال خودم به آن ها غذا مى دهم ؛ و پذيرائى و انفاق مى نمايم!!

حضرت صادق عليه السلام فرمود: چون هنگامى كه آن ها بر تو وارد مى شوند، از جانب خداوند همراه با رزق و روزى فراوان ميهمان تو مى گردند و زمانى كه خواستند بيرون بروند، براى تو رحمت و آمرزش به جا خواهند گذاشت[[18]](#footnote-18).

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل سوم؛ امام خوبی ها**

**خبر از مهدی موعود(عجل الله فرجه)**

مرحوم شيخ صدوق و برخى ديگر از مورّخين و محدّثين شيعه و سنّى آورده اند: يكى از بزرگان قم به نام احمد بن اسحاق اشعرى قمّى حكايت كند: روزى به محضر مبارك حضرت ابومحمّد، امام حسن عسكرى (عليه السلام) شرفياب شدم و خواستم درباره حجّت خدا و خليفه پس از آن حضرت ، از ايشان سؤال كنم.

همين كه در محضر شريف امام وارد شدم و سلام كردم ، بدون آن كه سخنى گفته باشم ، مثل اين كه از نيّت و افكار من آگاه بود، مرا مخاطب قرار داد و فرمود: اى احمد بن اسحاق ! خداوند تبارك و تعالى از زمان خلقت حضرت آدم (عليه السلام) تا برپائى قيامت ، بندگان خود را بدون حجّت و راهنما رها نكرده است.

و در هر زمانى ـ از باب لطف ـ يكى از بندگان شايسته خود را حجّت بر انسان ها قرار داده است كه به وسيله وجود مبارك او حوادث خطرناك برطرف مى شود، باران رحمت خدا فرود مى آيد و زمين به بركت وجود حجّت خداوند متعال ، بركات درون خود را ظاهر مى سازد و در اختيار بندگان و ديگر موجودات قرار مى دهد.

عرض كردم : يابن رسول اللّه ! فدايت گردم ، امام و خليفه بعد از شما چه كسى است؟ هنگامى كه اين سؤال را طرح كردم ، امام حسن عسكرى (عليه السلام) سريع از جاى خود برخاست و درون منزل رفت و پس از لحظه اى بازگشت ، در حالى كه كودكى خردسال را در آغوش خود گرفته بود، و همانند ماه شب چهارده نورانى بود و مى درخشيد .موقعى كه حضرت وارد اتاق شد، اظهار نمود: اى احمد! اگر اهل معرفت نمى بودى و نيز اگر نزد خداوند متعال گرامى نمى بودى ، هرگز فرزند عزيزم را بر تو عرضه نمى كردم و سپس فرمود: اين فرزند من است كه هم نام رسول خدا (صلى الله عليه و آله) مى باشد و جهان به وسيله وجود او پر از عدل و داد خواهد شد، همان طورى كه ظلم و ستم همه جا را فرا گرفته باشد.اى احمد! اين فرزندم ، همانند حضرت خضر پيامبر خدا عليه السلام ؛ و همچنين مانند ذوالقرنين ، علمش برگرفته از سرچشمه علوم و معارف الهى است ، داراى عمرى طولانى خواهد بود.در آن زمانى كه فرزندم ـ حجّت خدا ـ از طرف خداوند جلّ و علا، در غيبت قرار گيرد، نگهدارى دين براى افراد جامعه سخت خواهد بود و همگان ايمان و اعتقاد خود را از دست مى دهند، مگر اشخاصى كه محدود و اندك ياشند. عرض كردم : يابن رسول اللّه ! علامت و نشانه او چيست ؟

ناگهان آن كودك خردسال عزيز، لب به سخن گشود و ضمن مطالبى ارزشمند، مرا مخاطب خويش قرار داد و فرمود:
اى احمد بن اسحاق ! من آخرين خليفه پروردگار متعال در زمين هستم ، من از دشمنان انتقام خواهم گرفت و سپس افزود: بعد از پدرم امام و خليفه اى غير از من نخواهد بود، شكرگزار خداوند باش و بر عقيده ات پايدار بمان ، تو فرداى قيامت همنشين ما خواهى بود.[[19]](#footnote-19)

**خبر غیبی**

ثقة الاسلام كلينى و شيخ مفيد نقل مى‏كنند از اسماعيل بن محمد كه گويد: در راه ابو محمد عسكرى نشستم، چون از آنجا گذر كرد به او از فقر شكايت كرده و قسم خوردم كه نه درهمى دارم و نه زيادتر از آن. نه طعام صبح دارم و نه شب. امام (علیه السلام) فرمود: به خدا دروغ قسم مى‏خورى. با آن كه دويست دينار دفن كرده‏اى!! ولى اين حرف من بدان معنى نيست كه به تو چيزى ندهم، اى غلام! هر چه دارى به او بده، غلامش صد دينار به من داد.

بعد فرمود: تو از پولى كه دفن كرداى در وقت حاجت محروم خواهى شد. امام (علیه السلام) راست فرمود، من آنچه امام داده بود خرج كردم، به مخارج احتياج شديدى پيدا كردم، درهاى روزى براى من بسته شد. دفينه را بيرون آوردم، چيزى نيافتم، بعد معلوم شد كه پسرم جاى آنها را دانسته و آنها را برداشته و فرار كرده است. ديگر چيزى از آنها به دست من نرسيد.

**در بهشت**

باز همان ثقه جليل القدر فرموده: شنيدم امام عسكرى (علیه السلام) می فرماید: «ان فى الجنة باباً يقال له المعروف لا يدخله الا اهل المعروف» در بهشت درى هست كه نامش معروف است از آن در داخل بهشت نمى‏شود مگر اهل نيكى در دنيا. من در نفس خودم خدا را شكر كردم و شاد شدم كه براى رفع حاجتهاى مردم خودم را به زحمت مى‏انداختم.
امام به من نگاه كرد و فرمود: آرى، يا ابا هاشم! به كار خودت ادامه بده، اهل احسان در دنيا اهل احسان در آخرتند، خدا تو را از آنها قرار دهد و رحمتت كند.[[20]](#footnote-20)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل چهارم؛ شفیعۀ محشر**

**ورود به قم**

مأمون عباسی در سال دویست از هجرت حضرت رضا (علیه السلام) را به خراسان طلبید. خواهر فرخنده اش در سال دویست و یکم از هجرت در طلب ملاقات برادر بالا گهرش بیرون آمد و راه در سپرد تا به ساوه رسید و در آنجا بیمار شد. پرسید از این مکان تا قم چقدر مسافت است؟ عرض کردند ده فرسنگ است. آن مخدره فرمان داد که او را از ساوه به جانب قم حرکت دهند . در بعضی گفته اند که در این زمین یعنی ساوه دو مرتبه عذاب نازل شده است، مرا به جانب قم حمل کنید. چون به قم رسید، در خانه ی موسی بن خزرج بن سعد بن الاشعری منزل فرمود . اما روایت صحیح تر این است که چون خبر ورود خاتون روزگار فاطمه معصومه (علیها السلام) به آل سعد رسید به جمله اتفاق کردند و برای استقبال بیرون شدند و خواستار گشته اند که در شهر قم عز نزول ارزانی دارد و از میان آن جماعت موسی بن خزرج به تنهایی بیرون آمد و چون بشرف ملازمت آن اختر آسمان عصمت و طهارت افتخار یافت، مهار شتر آن حصرت را بگرفت و به جانب شهر بکشید و به آن فخریه و مباهات می کرد که موفق به این خدمت است و آن حضرت عصمت آیت را در سرای خود فرود آورد و آن صدیقه ی مکرمه شانزده روز یا هفده روز زندگانی کرده از آن پس روح پاکش به ریاض قدس پرواز کرد.[[21]](#footnote-21)

**فضیلت حضرت معصومه (سلام الله علیها)**

بدانید که خدای را حرمی است و آن کوفه است و حرم من و حرم فرزندانم بعد از من قم است و قم کوفه کوچک است و برای بهشت هشت در می باشد؛ سه در ازآن جمله به سوی قم باز می شود و زنی از فرزندان من که فاطمه نام دارد درآنجا قبض روح می شود و او راآن شأن و منزلت است که به شفاعت او تمام شیعیان به بهشت می روند و به قولی فرمود زود باشد که فاطمه نام از فرزندان من در قم دفن می شوند و هرکس او را زیارت کند داخل بهشت می شود .

**وفات حضرت معصومه (سلام الله علیها )**

چون بدن شریفش را غسل دادند و کفن نمودند پیکر مطهر و شریفش را به مقبره ی بابلان که فعلا محل قبر شریف او است حمل کردند و در سردابی که برای مدفن شریفش حفر کرده بودند فرود آوردند . این وقت در میان آل سعد گفت و گو شد که چه کسی آن مخدره را بخاک بسپارد و داخل قبر او شد. آخرالامر اتفاق نمودند که پیرمرد سالخورده سالح منقی قادر نام آن گوهر پاک را به خاک سپارد ، چون به طلب آن مرد رفته اند به ناگاه در دامنه ی صحرا دو سوار نقابدار پیدا شدند چون به نزدیک رسیدند از مرکب خود پیاده شدند و بر آن بدن مطهر نماز بگذاشته اند و به سرداب داخل شدند و بدن مطهر را بگرفته اند و در آنجا دفن نمودند. سپس بیرون آمدند و سوار شدند و رفته اند و کس ندانست که ایشان چه کسانی بودند.[[22]](#footnote-22)

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**بخش چهارم؛ اشعار منتخب**

**فصل اول؛ مناجات با امام زمان(عجل الله فرجه)**

محمد فردوسی

این چنین بر دلم افتاد به امّید خدا ...

...غم نخو می رسد امداد به امّید خدا

چه قدَر عقده در این سینه ی ما جمع شده

عقده ها می شود آزاد به امّید خدا

دل ما که به خدا تنگ شده، منتظریم

تا که از ما بکند یاد به امّید خدا

گِره از کار گِره خورده ی ما باز شود

فرصتی می شود ایجاد به امّید خدا...

... که به دست پسر فاطمه بوسه بزنیم

یک به یک با همه اولاد به امّید خدا

خبر آمدنش را همه جا پخش کنید

می رسد لحظه ی میعاد به امّید خدا

منتقم می رسد و روز ظهورش حتماً

می شود فاطمه دلشاد به امّید خدا

حرم خاکی خورشید و قمرهای بقیع

عاقبت می شود آباد به امّید خدا

لذتی دارد عجب تا که به ما می گوید:

آفرین! دست مریزاد! به امّید خدا...

وعده ی بعدی ما «شارع بین الحرمین»

دم بگیریم همه با «لک لبّیک حسین»

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمود ژولیده

تا تو به دل نظر کنی دیده پر آب می شود

حال، خراب می شود سینه کباب می شود

تا تو نظر نیفکنی حال بکا نمی رسد

آدم اگر دعا کند بی تو جواب می شود

هر چه عیار بیشتر حال بکاء بیشتر

کاسۀ چشم عاشقان جام شراب می شود

گرچه گهی به لغزشم داده غم تو ارزشم

آنکه تو ارزشش دهی گوهر ناب می شود

تا تو مرا صدا کنی دیده ز خواب می رَهَد

تا تو مرا رها کنی دیده به خواب می شود

گر نظر حرام را دیده ببندد از همه

در همه جا به چشم دل عکس تو قاب می شود

مَحرم روی حضرتت گر نشود نگاه من

پردۀ رَنجِشَت بر این دیده حجاب می شود

گاه بخوانی ام بخود گاه برانی اَم ز خود

گاه خطاب می شود گاه عتاب می شود

مِهر تو امتیاز من ناز تو و نیاز من

هرچه تو ناز می کنی قلب من آب می شود

هرکه زمان غیبتت یاریِ دین حق کند

روز ظهور حضرتت پای رکاب می شود

کاش خدایی ام کنی کرب و بلایی ام کنی

در طلب جمال خود کاش فدایی ام کنی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

جواد حیدری

این چه حالیست که این دیده پریشان باشد؟

همه جا در پی دیدار هراسان باشد

از کنار دل من دیر سفر کن که دلم

چون غبار قدمت بی تو پریشان باشد

از تصدق به گدایت نظر لطف نما

شاهد فقر دلم خشکی چشمان باشد

من که این گونه نبودم تو خودت می دانی

بی کس و یار شدم درد فراوان باشد

چه کنم بهر ظهورت نشدم باعث خیر؟

تا به کی سائل تو در پی عصیان باشد؟

مپسند این همه عمرم به گنه صرف شود

عمر من بهر تو ای یوسف قرآن باشد

کو مناجات شب و شور و نشاط سحری؟

کو دگر دیده که در هجر تو گریان باشد؟

باز آن حال و هوا را به دلم برگردان

که دلم ساکن وادی شهیدان باشد

ما ز دیدار رخ رهبر خود مست توایم

پیر ما همنفس پیر جماران باشد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد بیابانی

دلم گرفته از این جمعه های تكراری

كه بی حضورِ تو هر هفته می شود جاری

چقدر جاده وصلت ترك ترك شده است

سحابِ رحمتِ حق كِی دوباره می باری؟

شنیده ایم كه وقتی ز راه می آیی

درونِ باغچه گل های تازه می كاری

اگر چه زحمتتان نیست آرزو دارم

به خاكِ كرب و بلایم به خاك بسپاری

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل دوم؛ شهادت امام حسن عسکری(علیه السلام)**

محسن حنیفی

غریب کرببلا لاأقل زهیری داشت

کنار حضرت آقا حبیب بوده و هست

همیشه هر شب جمعه حرم پر از زائر

ولی مزار حسن ها غریب بوده و هست

شبیه برگ گلی بین حجره می لرزید

ز درد در وسط حجره دست و پا می زد

برای مرهم زخمش برای تسکینش

بلند مادر خود را فقط صدا می زد

همین که بر جگرش زهر چنگ می انداخت

شراره می زد و داغی دوباره شد تازه

دوباره کوچه و نامحرم و فدکنامه

و زخم گم شدن گوشواره شد تازه

همین که او دم آخر لبش عطش نوشید

برای تشنگی اش قدری آب آوردند

هنوز خاطر او مانده است این روضه

برای حضرت هادی شراب آوردند

غریب بوده ولیکن امام بعد از او

سحر به پیکر پاکش نماز می خواند

کنار پیکر او تا سحر نمی خوابد

شبیه ناحیه او روضه باز می خواند

فدای تو پدر و مادرم حسین غریب

فدای آن تن زخمی که بوریا شده بود

شنیده ام که لباس تو را کسی دزدید

سه روز روی زمین پیکرت رها شده بود

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سید هاشم وفائی

هرگز شبی ز شام غمت تیره تر نبود

آن شب به غیر ناله نوایی دگر نبود

ای آفتاب معرفت ای عسکری لقب

گل را چنان تو زندگی مختصر نبود

شب های سوز و ساز به خلوتگه حضور

شمعی چو جان سوخته ات شعله ور نبود

داغ تو کرد خون به دل لاله های عشق

کو لاله ای که از غم تو خونجگر نبود

سیلاب اشک خانۀ دل را خراب کرد

چشمی نمانده بود کز این غصه تر نبود

شوق وصال دوست تو را سوی خود کشاند

زهر ستم وگرنه به تو کارگر نبود

مهدی کنار بستر پاک تو گریه کرد

یک تن به جز تو شاهد اشک پسر نبود

با دل سفر نمود «وفایی» به کوی تو

حاجت دگر به داشتن بال و پر نبود

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا سازگار

ای ز چشم همگان ریخته اشک بصرت

حسنی و چو حسن خون شده عمری جگرت

همچو اجداد غریبت همۀ عمر غریب

به جوانی شده مسموم چو جد و پدرت

در پی ماه صفر معتمد از زهر جفا

کرد با عم گرامیت حسن همسفرت

بس‌که در جامعه مظلوم و غریب و تنهاست

نیست ممکن که عزا بر تو بگیرد پسرت

چشم بگشا به سوی خانۀ در بستۀ خویش

که عزادار شده همسر نیکو سیرَت

چشم حق‌بین تو شد بسته و می‌بینی باز

همه جا غربت مهدی است به پیش‌ِ نظرت

سال‌ها شمع صفت سوختی و آب شدی

نه فقط زهر جفا زد به دل و جان شررت

سال‌ها بود که با یاد لب خشک حسین

خون دل بود روان روز و شب از چشم ترت

"میثم" از خواجگی هر دو جهان دست کشد

بشماریش اگر جزء گدایان درت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

امیرعظیمی

باز هم می شود حسینیه وسعت قلب درد پرورتان

سامرایی شدیم و می گوییم تسلیت، تسلیت امام زمان

تسلیت ای به درد ها مأنوس تسلیت ای بَقیَّتُ الزَّهرا

بیت الاحزان سینه ات این بار پُر شده از مصیبت بابا

این حسن ها چقدر مظلومند این غریبی ز قبرشان حاکیست

این حسن ها عجیب مادری اند از همین رو قبورشان خاکی است

یابن زهرا ببین ز سوزش زهر پدرت مثل بید می لرزد

دم آخر درون کاسه ی آب جان مولا! چه دید می لرزد

دید دور از حضور یک سقّا در حرم حرف قحطی آب است

دید در قتلگاه، بین دو نهر لب جدش حسین بیتاب است

پدرت، لحظه های آخر عمر آب از دست پاکتان نوشید

دم آخر پسر نداشت حسین تشنگی از گلوش می جوشید

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

وحید قاسمی

خون می چکد ز دیده ی در خون شناورم

در بُهت چشم های گهربار مادرم

سوز عطش به ریشه ی من تیشه می زند

خشکیده شاخه های بلند صنوبرم

تا مغز استخوان شرر زهر رخنه کرد

تفتیده کوره ای شده گرمای بسترم

با هر نفس تمام تنم تیر می کشد

چشم انتظار قطع نفس های آخرم

در لحظه های آخر عمرم هوائیم

افتاده شور کرب و بلا باز در سرم

این آرزوی لحظه ی جان دادن من است

با ذکر یا حسین رود جان ز پیکرم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مسعود اصلانی

شب تاریک هوای سحرش را می خواست

شهر انگار خسوف قمرش را می خواست

گوشۀ حجره کسی چشم به راه افتاده

حسن دوم زهرا پسرش را می خواست

حضرت عسکری از درد به خود می پیچد

زهر از سینۀ آقا جگرش را می خواست

آسمانیست امامی که زمین افتاده

آسمان جلوه ای از بال و پرش را می خواست

لحظه ی آخر خود روضۀ عاشورا خواند

منبر خاک غم چشم ترش را می خواست

ته گودال کسی روی زمین افتاده

خنجر شمر گمانم که سرش را می خواست

دختری دید که بالای سرش نامردی

آمده بود و نگین پدرش را می خواست

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل سوم؛ آغاز تاجگذاری امام زمان(عجل الله فرجه)**

سید هاشم وفائی

هر لحظه تو احوال مرا می بینی

آئینـــۀ اقبــال مرا می بینی

می میرم و زنده می شوم از خجلت

چون نامۀ اعمال مرا می بینی

ای جلوۀ نور سرمدی یا مهدی

گنجینۀ علم احمدی یا مهدی

هدیه به امامت تو ما آوردیم

صدباغ گل محمدی یا مهدی

برچینی بشکستۀ دل بند زدند

ما را به ولایت تو پیوند زدند

آغاز امامت تو گویی به بهشت

زهرا و علی ز شوق لبخند زدند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل چهارم؛ ولادت پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله)و امام صادق(علیه السلام)**

یوسف رحیمی

امروز اگر که پا به پای کلمات

تا محضر تو آمدم ای صبح نجات

چشمان تهیدست برایت دارم

دریاب مرا به برکت یک صلوات

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

رضا اسماعیلی

در کشور عشق معبدی می خواهم

یک سینه تهی ز هر بدی می خواهم

سهمی ز جهان اگر مرا می بخشید

باغی ز گل محمدی می خواهم

ای عشق ! تو آمدی حیاتم دادی

از ظلمت و تیرگی نجاتم دادی

من تشنه ی یک سرود روشن بودم

جامی ز زلال صلواتم دادی

ای دوست ! ندای « لا تخف » می آید

شب رفت ، صدای چنگ و دف می آید

شد چشم زمین به نور احمد روشن

از عرش ، فرشته ، صف به صف می آید

بوی تو ز بوستان من می آید

خورشید در آسمان من می آید

لب های مرا فرشتگان می بوسند

چون نام تو بر زبان من می آید

در عشقِ تو استوار ، همچون کوهم

بی نور تو ، عابر شب اندوهم

چون نام تو بر لبان من می رقصد

عطر صلوات می چکد از روحم

تا نام تو بر زبان هستی آمد

در سینه ی عشق ، شور مستی آمد

از سینه ی کعبه نور تو بیرون زد

گلبانک خوش خداپرستی آمد

ای دل شدگان ! یار موافق آمد

افشاگر چهره ی منافق آمد

عالم ز ظهور نور او روشن شد

یاران ! صلوات ، صبح صادق آمد

ای دوست ! به آسمان نظر کن گاهی

ذکری تو بگو ، بر آور از دل آهی

لب را به گلاب نام او خوشبو کن

گر دولت وصل دوست را می خواهی

ای دلشدگان ! نسیم جان می آید

در جسم زمین ، دوباره جان می آید

در باغ ، گل محمدی می خندد

تبریک ! بهار عاشقان می آید

در ظلمت شب ، دلیل راهم دادند

رخصت به دلم ، دل سیاهم دادند

چون نام تو بر لبان روحم رقصید

در خلوت انس دوست راهم دادند

ای خال لب تو ، نقطه ی بسم الله

در حُسن و جمال ، ماه تر از هر ماه

شکرانه ی دیدن تو صد تکبیر است

« لا حول و لا قوة الا بالله »

ای خون حماسه در رگ آزادی !

تو بر سر ظلم ، تندر فریادی

تو آمدی و به غنچه های ایمان

فرمان خجسته ی شکفتن دادی

ای نور زمین و آسمان ! ادرکنی

ای قبله ی دل ، بهشت جان ! ادرکنی

بوی خوش وصل می وزد از نامت

نام تو سرود عاشقان ، ادرکنی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مجتبی روشن روان

طلوع کردن خورشید عشق و زیبایی

به یار گلرخ غنچه دهان مبارک باد

هوای تازه و صبح پر از نشاط آمد

غروب ظلمت جهل جهان مبارک باد

نسیم و سبزه و گل بوی یار آورده

دوباره شادی سرو چمان مبارک باد

خزان تمام شد و فصل بی قراری رفت

بهار رحم و عاطفه بر عاشقان مبارک باد

رها شده است ز بند اسارت ظلمات

هر آن کسی که فرستد محمدی صلوات

هر آنچه هست به مستی در آمده امشب

رسیده موسم مستی پیاله کو ساقی؟

خمار آمده ام باز بر در لطفت

نیازمند گرفتم نوای هو ساقی

به یمن چشم طبیبی که کرده بیمارم

مکن دریغ لبم از لب سبو ساقی

مده حواله به دستان دیگری ما را

بیا که باده بنوشیم رو به رو ساقی

ز سوی فاطمه دارم کرامت و نعمات

هر آن کسی که فرستد محمدی صلوات

به نام باده به نام سبو به نام جنون

سلام ای سحر جاده ی اهورایی

به نام دیده به نام دل خراب شده

سلام می کنمت ساقی تماشایی

به نام عشق که از خاک پای تو جوشید

شبی بیا به سرایم نگار رویایی

به نام غنچه ی لبهایت ای گل خلقت

بخند تا که ببینم شب شکوفایی

همیشه داشت به همراه نغمه اش نفحات

هر آن کسی که فرستد محمدی صلوات

دوباره با قلم و دل نشسته ام یکجا

چه خوب می شود امشب غزل سرایی کرد

اگرچه زشت و سیاه و بدم ولی یارا

چه خوب لطف لطیفت مرا هوایی کرد

میان کفر گرفتار مانده بودم تا

مرا نگاه رحیمانه ات خدایی کرد

گرفته حاجت خود را ز قاضی الحاجات

هر آن کسی که فرستد محمدی صلوات

عبور خسته ی یک آس و پاس یعنی من

و خوشقواره ترین جان لطف یعنی تو

صدای مضطرب التماس یعنی من

و استجابت آثار لطف یعنی تو

شکسته بال ترین مرغ عشق یعنی من

نسیم رحمت رحمان لطف یعنی تو

نگاه منتظر بی قرار یعنی من

لطیف بارش باران لطف یعنی تو

محبت تو برایش مضعف الحسنات

هر آن کسی که فرستد محمدی صلوات

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سید حمیدرضا برقعی

شعر اگر از تو نگوید همه عصیان باشد

زنده در گور، غزلهای فراوان باشد

نظم افلاک سراسیمه به هم خواهد ریخت

نکند زلف تو یک وقت پریشان باشد

سایه ی ابر پی توست دلش را مشکن

مگذار این همه خورشید هراسان باشد

مگر اعجاز جز این است که باران بهشت

زادگاهش برهوت عربستان باشد

چه نیازی ست به اعجاز، نگاهت کافی ست

تا مسلمان شود انسان اگر انسان باشد

فکر کن فلسفه ی خلقت عالم تنها

راز خندیدن یک کودک چوپان باشد

چه کسی جز تو چهل مرتبه تنها مانده

از تحیر دهن غار حرا وا مانده

عشق تا مرز جنون رفت در این شعر محمد

نامت از وزن برون رفت در این شعر محمد

شأن نام تو در این شعر و در این دفتر نیست

ظرف و مظروف هم اندازه ی یکدیگر نیست

از قضا رد شدی و راه قدر را بستی

رفتی آنسوتر از اندیشه و در را بستی

رفتی آنجا که به آن دست فلک هم نرسید

و به گرد قدمت بال ملک هم نرسید

عرش از شوق تو جان داده کمی آهسته

جبرئیل از نفس افتاده کمی آهسته

پشت افلاک به تعظیم شکوهت خم شد

چشم تو فاتح اقلیم نمی دانم شد

آنچه نادیده کسی دیدی و برگشتی باز

سیب از باغ خدا چیدی و برگشتی باز

شاعر این سیب حکایات فراوان دارد

چتر بردار که این رایحه باران دارد...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

وحید قاسمی

تیغ ابرویت غزل را در خطر انداخته

پیش پایت از تغزل بسكه سر انداخته

مرد این میدان جنگ نابرابر نیستم

تیر مژگانت ز دست دل سپر انداخته

بنده ای ؟ پروردگاری ؟ این شکوه لایزال

شاعرانت را به اما واگر انداخته!

نامی از میخانه ها نگذاشت باقی نام تو

باده را چشم خمارت از اثر انداخته

ساقی معراج، عرش گنبد خضرایی ات

جبرئیل مست را از بال و پر انداخته

كار دیگر از ترنج و دست هم، یوسف گذشت

تیغ، سرها را به اظهار نظر انداخته

سود بازار نمك انگار چیز دیگری است!

خنده ات رونق ز بازار شكر انداخته

عاشق و معشوق ها از هجر رویت سوختند

عشق تان آتش به جان خشك و تر انداخته

این تنور داغ مدح چشم هایت؛ مهربان

نان خوبی دامن اهل هنر انداخته

مهربانی نگاهت، ای صبور سر به زیر

دولت شمشیر را از زور و زر انداخته

تا سبكباری دل، چوب حراجت را بزن

چین زلفت در سرم شوق سفر انداخته

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد حسین رحیمیان

ای گل سر سبد طایفه ی آقاها

ای بزرگ همه بی مثل و همتاها

هرکسی دیده تو را مست شد و خانه خراب

تشنه ی دیدن تو میکده ها صهباها

نمک روی تو دیوانه کند مجنون را

کشته و مرده ی رویت همه لیلاها

هر که امروز گرفتار نگاهت گردید

نکند وحشتی از بی کسی فرداها

شعبه ی عرش شده از قدم تو دنیا

هر کجا حرف شود از تو بهشت است آنجا

عقل و هوش همه ی خلق شده حیرانت

به فدای تو و توحید تو و عرفانت

آن قدر عاشق تو هست خدایت آقا

که به قرآن خودش خورد قسم بر جانت

دم به دم مکتب تو حرف جدیدی دارد

همۀ علم خلاصه شده در قرآنت

مرده را گوشه نگاه تو مسیحا سازد

کرده دیوانه مرا معجزه چشمانت

دشمنت هم ز تو جز رحمت و ایثار ندید

خوش به حال دل آن کس که شد از یارانت

در سماوات و زمین و ملک و جن و بشر

ما ندیدیم کسی را ز شما خاکی تر

تو همه دلخوشی روز و شب دنیایی

همه هستند غلام و تو فقط آقایی

پرچم هیچ کس اندازه تو بالا نیست

محشری، بی مثلی، معجزه ای، غوغایی

کار ما هست فقط عشق به تو ورزیدن

کار تو هست فقط دلبری و لیلایی

چه مقامی به تو داده است خدایت آقا

دلخوشی علی و زندگی زهرایی

چه قدر عشق میان تو و زهرایت بود

تو شدی فاطمی و فاطمه شد بابایی

رفتی و قامت زهرای جوان تو خمید

نود و پنج شب از درد به خود می پیچید

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*
محمدجواد پرچمی

من همان باده نوش جام توام بلبل مست روی بام توام

بی نگاهت غزل نمی خوانم شاعر فیض مستدام توام

ششمین آینه سلام آقا آرزومند یک سلام توام

به پر زخمی ام نگاه کنید آه؛ محتاج التیام توام

باز همسفره باش با سائل دوستدار همین مرام توام

مست قال الامام صادق من من مسلمان شده به نام توام

روی قبرم سپرده ام آقا بنویسند من غلام توام

من غلام محبت یارم به خم گیسویت گرفتارم

می نویسم فقط حقایق را ماجرای عروج عاشق را

با تو فهمیده ام مفهوم و معنی آیه های ناطق را

می شود دید در نگاه شما عکس زیبای وجه خالق را

معنی یا بصیر در بَصَرت با بصیرت کنی هر عاشق را

با بیانات روشن و نابت تو شکستی صف منافق را

ما به عالم نمی دهیم هرگز تار موی امام صادق را

السلام ای رئیس مذهب ما ای دمادم ترانه ی لب ما

دلمان را تو حیدری کردی مست انوار کوثری کردی

در لباس امامت ای آقا به خدا که پیمبری کردی

با احادیث و گفته های خودت تو عجب فتح خیبری کردی

زنده کردی تو علم را تا حشر بسکه شاگرد پروری کردی

ما کجا؟! مهر مادرت زهرا دل ما را تو مادری کردی

مهرتان را به سینه دارم من آرزوی مدینه دارم من

کاش ما را دعا کنی آقا خرج این روضه ها کنی آقا

چشم های مرا به پای حسین نذر خیرالنّسا کنی آقا

بانی روضه های عاشورا کاش روضه به پا کنی آقا

کاش ما را شبی به خرج خودت راهیِ کربلا کنی آقا

روضه ی زینبیه می خواهیم روزیِ فاطمیه می خواهیم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل پنجم؛ ولادت امام عسکری(علیه السلام)**

غلامرضا سازگار

لشکر شادی گرفت ملک جهان را

کرد مسخّر همه کون و مکان را

برد به یک حمله دل پیر و جوان را

داد به جسم وجود روح و روان را

خیز و بپایش فدا کن سرو جان را

داری اگر کن نثار خوب‌تر از جان

وجد و سرور و شعف گشته عبادت

مهر فلک داده با خنده شهادت

آمده بر شیعیان دور سیادت

دور سیادت مگو صبح سعادت

صبح سعادت مگو روز ولادت

ولادت حجّت قادر منان

یازدهم اختر برج ولایت

ماه محمد جمال شمس هدایت

ابر کرم فلک جود بحر عنایت

قصّة فضل ورا نیست نهایت

کار نمی‌آید از شعر و حکایت

لال در اینجا بود منطق انسان

عروس زهرا حُدیث قرص قمر زاد

هشتم ماه ربیع پاک پسر زاد

بهر امام دهم نور بصر زاد

از شجر احمدی طرفه ثمر زاد

بلکه برای همه خلق پدر زاد

خلق به خاک درش در خط فرمان

او که به صلبش بود مصلح عالم

او که به خاکش بود چهرۀ آدم

او که ثنایش کنند آدم و خاتم

او که مدیحش بود ذکر دمادم

جنّت بی جلوه‌اش خانۀ ماتم

دوزخ در سایه‌اش روضۀ رضوان

اهل ولا سرخوش از ساغر اویند

خلق خدا جمله در محضر اویند

جن و ملک سر به سر عسکر اویند

پیر و جوان چون گدا بر در اویند

خیل نبیّین ثنا گستر اویند

بلکه خدا وصف او گفته به قرآن

از افق حسن غیب ماه برآمد

مهر جمالات حق جلوه گر آمد

یا رخ پیغمبر از پرده درآمد

یا که علی را مبارک پسر آمد

یا پدر حجت منتظر آمد

حُسن حَسن در حسن گشته نمایان

او که سراپا بود روح مجرّد

او که به مهرش کم است خلد مخلّد

او که ز قهرش دمی است نار مؤبّد

او که سلامش دهد خالق سرمد

او که ثنایش سرود شخص محمد

من به چه مضمون کنم مدحتش عنوان

این حَسنی حُسن حّی متعال است

این گل نورسته احمد و آل است

یازدهم قبلة اهل کمال است

هم بخدا مظهر حُسن و جمال است

هم به نبی وارث قدر و جلال است

جلوۀ خوبان زوی گشته فروزان

ای پدر و مادرم هر دو فدایت

ای به لب اهل ذکر مدح و ثنایت

قبلة دل های پاک صحن و سرایت

باغ جنان عاشق روی گدایت

مستی اهل دل از جام ولایت

تا که شود بر سر کوی تو قربان

گرچه تنت کرده در سامره منزل

لیک بود چون خدای جای تو در دل

عصیان با عفو تو است طاعت کامل

طاعت بی مهر تو است کوشش باطل

گردد بر مور اگر لطف تو شامل

گیرد از اقتدار جاه سلیمان

هم تو به جسم وجود روح روانی

هم پسر رهبر کشور جانی

هم پدر مصلح کل جهانی

هم به جمال خدا نور عیانی

هم به دل اهل دل راز نهانی

هم شده بر درد جان نام تو درمان

روی تو ز آغاز بود شمع مرادم

دوستی‌ات از نخست مانده بیادم

گر بپذیری مرا دل به تو دادم

هست همین هستی روز معادم

شعلۀ عشقت کشد سر ز نهادم

جان و تنم را در این شعله بسوزان

گرچه بود طلعتت از همه مستور

دیدۀ دل را دهد یاد رخت نور

وای بر آن دیده‌ای کز تو بود کور

آه به حال دلی کز تو شود دور

بارگهت را بود بارقۀ طور

نقش زمینش هزار موسی عمران

جز به سر کوی تو راه نپویم

جز به لب جوی تو نامه نشویم

دیده به هر سو نهم روی تو جویم

دست به هر گل برم عطر تو بویم

"میثمم" و غیر مدح از تو نگویم

تا به سر دار عشق بگذرم از جان

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد بیابانی

دوباره عشق سمت آسمان انداخت راهم را

نگاهی باز می گیرد سر راه نگاهم را

کدام آغوش بین خویش جا داده است ماهم را

که برگردانده امشب سوی دیگر قبله گاهم را

من امشب حاجی این قبله این قبله نما هستم

من امشب بندۀ مولای سر من رئا هستم

درون سینه ام انگار شور دیگری دارم

به لطف ساقی امشب در سبویم کوثری دارم

به دستی زلف یار و دست دیگر ساغری دارم

شرابی ناب از انگورهای عسکری دارم

من امشب عشق را تکرار در تکرار می خوانم

حسن جانم حسن جانم حسن جانم حسن جانم

وزیده از پگاه شهر پیغمبر نسیمی که...

...رسیده سالهایی قبل همراه شمیمی که...

...تمام شهر را پر کرد آن فیض عظیمی که...

...خبر داده است باز از جلوه دست کریمی که...

...همان خلق و همان خو در جمالش منجلی باشد

و مثل آن حسن آرام جان یک علی باشد

نگاهت چون مسیحاییست که بر مرده ها جان است

که گاهی لرزه بر اندام مأموران زندان است

و یا ابریست که در آسمان هم حکم باران است

بگو این چشم انسان است یا از آن یزدان است

تو هم جسمی و هم جانی، تو هم ابری و بارانی

صفاتت گفت یزدانی، خدایی یا که انسانی؟

رکاب سامرا را گنبد زرد تو مروارید

حریمت کعبه آمال، قبرت قبله امید

گدایان! هرکجا هستید، امشب هرچه می خواهید

دخیل عشق بندید از همان جا بر در خورشید

اگر که سائل شهر مدینه مجتبی دارد

کسی چون عسکری را هم گدای سامرا دارد

میایی و برای مهدی ات دلداده می سازی

هزاران عاشق در دام عشق افتاده می سازی

ز اشک دیده چشم انتظاران جاده می سازی

برای امر غیبت شیعه را آماده می سازی

میان پرده اسرار خدا را بی صدا گفتی

برای شیعیانت "افضل الاعمال" را گفتی

تو آن معنای پروازی که بی تو هیچ بالی نیست

زلال جاری باران لطفت را زوالی نیست

به جز درد فراق مهدی ات آقا ملالی نیست

یقینا در کنار ماست امشب جاش خالی نیست

دعا کن تا که من هم جمکرانی باشم آقا جان

دعا کن تا ابد صاحب زمانی باشم آقاجان

اجازه می دهی امشب تو را ابن الرضا گویم

صفای مرقد شش گوشه ات را کربلا گویم

غریب سامرا از غربت یک آشنا گویم

برایت قصه ی یک مادر و یک کوچه را گویم

از آن ابری که زیر ظلمتش پوشاند ماهش را

از آن مادر که در آن کوچه ها گم کرد راهش را

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمود ژولیده

مهربانا مهربانی كرده ای خشت و گل را آسمانی كرده ای

حكمت از دل دُرفشانی می كند با قلم قلبم تبانی می كند

چشم صحرا را مزیّن كرده ای نور زهرا را مُبیَّن كرده ای

نُه فلك مجذوب یك دلدار ماند هفت اقلیم از هبوط یار ماند

آن زمانی كه نه گِل نه آب بود با تو نَه خورشید نَه مهتاب بود

دستِ ذاتت هستِ مسطور آفرید از صفاتت چارده نور آفرید

چار و دَه مبهوت یكدیگر شدند عَلَّم الاَسماء را از بَر شدند

نور واحد چارده تقسیم شد سال و ماه و هفته ها ترسیم شد

چون نظر كردند بر حالات خویش ذات را دیدند در مرآت خویش

تا دل افتد روز و شب در دامشان ثبت شد ساعات هم بر نامشان

بوی گلهای معطّر می وزد شنبه ها عطر محمد می رسد

یاس و سُنبل هدیة یكشنبه هاست عطر زهرا و علی در جان ماست

گُل كند در هر دوشنبه نور عین گاه  از نور حسن گاهی حسین

هر سه شنبه می وزد عطر سه گل سین و یاء و صاد اندر هر سُبُل

چار شنبه موسوی گردد فضا از رضا و باب و دو ابن الرضا

می شود لب تر ز جام عسکری هر شب جمعه به نام عسکری

ذكر آب و ذكر باد و ذكر خاك یا امام عسکری روحی فداك

دوستان محتاج لبخند تو اَند جمع موجودات در بند تو اَند

ای زمان از بس تو را دارایی است در زمین هنگام حُسن آرایی است

باید این احساس را اذعان كنم آنچه استاد ازل گفت آن كنم

باید از ساقی دلها دم زنم تا در این میخانه در محكم زنم

آمد آن پشت و پناه شیعیان شد جمال وجه رحمانی عیان

او بود خورشید كز نو سر زده یا حسن در وجه اَحسَن آمده

بسكه او مجذوب در توحید شد ذره هم در پرتوش خورشید شد

آمد آن محنت كش شادی فروش تا كشد بار ولایت را به دوش

گرچه گردد ساكن تبعیدگاه می گشاید تا خدا بر شیعه راه

شیوه اش هنجار های معنوی است سیره اش طرح قیام مهدوی است

هرچه گویم از سجایایش كم است كن توسل حبل عشقش محكم است

تا گدای سامرایش می شویم بی گمان حاجت روایش می شویم

سامرا گفتم دلم آمد به شور جشن میلاد است یا شورِ نشور

شیعه احساس غریبی می كند ذكر ادرك یا حبیبی می كند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا سازگار

ای قبله حرم، حرمِ سامرای تو

بیت الولای دل حرم با صفای تو

قرآن یگانه دفتر مدح و ثنای تو

روح ملک کبوتر صحن و سرای تو

آیینۀ جمال خداوند سرمدی

فرزند پاک چار علی، سه محمدی

رضوان بدان جلال و شرف سائل درت

خورشید سجده برده به صحن مطهرت

روح رضاست در نفس روح پرورت

نامت حسن نه بلکه حسن پای تا سرت

میراث زهد و نور هدایت ز هادیت

علم امام هشتم و جود جوادیت

معصوم سیزده ولی الله ذوالمنن

ابن الرضای سومی و دومین حسن

گل ریزد از بهشت به خاکت چمن چمن

شرمنده در ثنای تو از کوچکی سخن

دُر کلام و لعل لب گوهری کجا

وصف ابا محمدٍ العسکری کجا

انوار ده امام درخشد ز روی تو

یادآور رسول خدا خُلق و خوی تو

زیباترین دعای ملک گفتگوی تو

مسجود جنّ و انس بُود خاک کوی تو

بحری که در صدف، دُر جان پَروَرد تویی

در دامنش امام زمان پرورد تویی

ویرانۀ مزار تو مسجود آسمان

قبر تو کعبۀ دل و صحنت مطاف جان

زوّار هر شب حرمت صاحب الزمان

کوری چشم دشمنت ای قبلۀ جهان

تنها نه سامره، همه عالم دیار توست

هر جا رویم در بغل ما مزار توست

قبر مطهر تو اگر چه خراب شد

یا بر حریم تو ستم بی حساب شد

و آن دلربا ضریح نهان در تراب شد

هرچند قلب شیعه از این غم کباب شد

هر روز قبۀ تو فروزنده تر شود

جاه و جلال و مرتبه ات زنده تر شود

با آن که در محاصره بودی تو سال ها

دیدی ز دشمنان، غم و رنج و ملال ها

کردند با تو از ره طغیان جدال ها

دادی به شیعه عزت و قدر و جلال ها

نور ولایتت ز دل حبس ای شگِفت

چون آفتاب یک سره آفاق را گرفت

داغت به قلب شیعه شراری عظیم شد

خون بر دلت ز کینۀ اهل جحیم شد

روح تو در بهشت الهی مقیم شد

با رفتن تو حضرت مهدی یتیم شد

یا بن الحسن از این همه بیداد، الامان

عجّل علی ظهورک یا صاحب الزمان

ای عدل تو زوال ستم گستری بیا

نادیده کرده بر همه روشنگری بیا

ای آخرین دُر صدف کوثری بیا

ای نور دیدۀ حسن عسکری  بیا

تا کی فراق روی تو آتش به جان زند

تا کی به شیعه خصم تو زخم زبان زند

ای خوانده جنّ و انس و ملک پیر و مقتدات

تو جان جان عالمی و جان ما فدات

خُلق علی و خلق نبی جلوۀ خدات

میثم به این دو مصرع نیکو دهد ندات

یا صاحب الزمان به ظهورت شتاب کن

عالم ز دست رفت تو پا در رکاب کن

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

کمیل کاشانی

زمین چشم تماشا شد امام عسکری آمد

بهشت آرزوها شد امام عسکری آمد

هوای سامره گلپوش از عطر نفس هایش

گل ایمان شکوفا شد امام عسکری آمد

سروش هاتف غیبی بشارت داد "هادی" را

گره از کار دل وا شد امام عسکری آمد

حسن خویش حسن رویش حسن بویش حسن مویش

تمام حسن پیدا شد امام عسکری آمد

چنان پیچید در صبح ازل گلبوی لبخندش

که عقل از شوق،  شیدا شد امام عسکری آمد

تجلی کرد در برق نگاهش هیبت حیدر

طلوع مهر زهرا شد امام عسکری آمد

صدای پای او در کوچه باغ زندگی پیچید

حضورش عالم آرا شد امام عسکری آمد

زمان، امشب "کمیل" از شوق سر از پای نشناسد

که - خلقت - باز معنا شد امام عسکری آمد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل ششم؛ وفات حضرت معصومه(علیها السلام)**

حسین ایزدی

شوره زار است اگر قم، تو در آن دریایی

تو همیشه، همه جا، در همه آن با مایی

اصل و فرع ات همه نور است، خود خورشیدی

... و نه تنها پدرت که تو خودت موسایی

بعد زهرا و عقیله به خدا بانو جان...

بهترین اسوه برای همۀ زن هایی

وادی طور شده قم ز تو موسی زاده

بیت نور است زمینی که تو در آنجایی

حاجت مردم قم دست غلامان شماست

تو امید دل شیعه ز غم فردایی

وسعت روح تو قم را چو مدینه کرده...

گر چه پنهان شده قبری، تو خودت زهرایی

باطن قم، نجف و مکه و مشهد باشد

یک حرم داری و این قدر در آن دارایی

مثل ایوان نجف، صحن تو حالی دارد

تو نظر کردۀ چشمان خود مولایی

خشت خشت حرمت پنجره ی فولاد است

کار خاک قدمت، کار دم عیسایی...

گردن مردم ایران به خدا حق داری...

مایۀ قدرت ما پیش همه دنیایی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مهدی نظری

سلام بر تو که اسطوره ی حجاب شدی

جواب های سؤالات بی جواب شدی

سلام بر تو که در آسمان علم و ادب

شعاع نور شدی مثل یک شهاب شدی

به خاک کشور ایران دو نور تابان شد

رضا چو شمس شموس و تو آفتاب شدی

برای یاری دین و امام عصر خودت

شبیه عمه ی خود پای در رکاب شدی

ز بس که دست کریمت گره گشایی کرد

برای نام کریمه تو انتخاب شدی

برای شأن تو این واژه تا ابد کافی ست

رضا حسین شد و زینبش حساب شدی

خدا کند بنویسی مرا به نوکری ات

تو دختری ولی عالم فدای مادری ات

نگاه مرحمتی کن به این گدا بی بی

بده به حق رضا حاجت مرا بی بی

قسم به جان خودم جبرئیل می میرد

اگر که پر نزند دور این سرا بی بی

پی زیارت زهرا به قم سفر نکنم

بگو کجا بروم من بگو کجا بی بی

مراجع و علما حلقه دور تو بستند

برای اینکه تویی باب علم ها بی بی

غمی نمانده برای اهالی ایران

دمشق ما توئی و کربلا رضا بی بی

غمی که سوخت دلت را شرار زهر نبود

تو از دیار خود افتاده ای جدا بی بی

تو آمدی که انیس دل رضا بشوی

تو آمدی که در ایران بزرگ ما بشوی

گل همیشه بهار امام هفتم ما

دلم شکسته برای خزان پرپری ات

اگرچه درد فراق آتش است و میسوزد

ولی نسوخت تمام دل کبوتری ات

ولی امان ز دل کوثر امام حسین

ز پنجه ها و سر دختر امام حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محسن حنیفی

مهربانی، کریمه ای خانم بانوی بی بدیل؛ معصومه

التماس قنوت گریه ی من الدخیل الدخیل معصومه

شرف الشمس شهر قم هستی از تبار و ذراری خورشید

پای دَرست ملائکه حاضر ای پناه مراجع تقلید

صحن بالا سر تو منزل نور مهبط جبرئیل این صحن است

بال جمله ملائک عرشی زیر پاهای زائرت پهن است

حرم اهل بیت صحن شماست حرم خانواده ی زهرا

کربلا و مدینه و مشهد نجف و کاظمین و سامرّا

وقت تجدید عهد با زهرا شهر یثرب اگر نشد قم هست

گره هایم نگفته واشده است تا قسم به امام هشتم هست

گرچه چنگ خزان به جان تو و جان ایل و تبارت افتاده

پاره پاره ولی نشد هرگز نامه ای که رضا فرستاده

گرچه خم شد قدت ز فاصله ها ذبح اطفال را ندیدی تو

حضرت زینب امام رضا تلّ و گودال را ندیدی تو

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

وحید قاسمی

محملت با وقار می آمد سبزتر از بهار می آمد

وه! عجب خوش خرام می آمد با شکوه تمام می آمد

محملت بود و... خیلِ استقبال کم محلی نشد ! زبانم لال!

قم نگاهش لبالب از شرم است شام ویران که نیست! خونگرم است

پاکی و حُجب، باورِ چشمش قدم میهمان سرِ چشمش

چادرت ذره ای غبار ندید! آفتابی به نی سوار ندید!

با مَحارم به قم رسیدی ،شکر سر دروازه ای ندیدی، شکر

دستِ بیعت به طبل جنگ نخورد به غرورت کلوخ و سنگ نخورد

قم کجا!؟ کوفه ی خراب کجا!؟ تو کجا !؟ زینب و رباب کجا!؟

گوشه ی معجرت نمور نبود خبر داغی از تنور نبود

هرچه شد،شد! رسیده جان بر لب ای امان از غریبیِ زینب!

عمه ات اشکِ ارغوان را دید خنده ی نحسِ خیزران را دید

ته گودالِ پُر بلا را دید تنِ پامالِ چکمه ها را دید

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمود ژولیده

السلام ای مجدّدِ اسلام ای به معنا مبلغ احکام

السلام ای کریمۀ عترت ای مدار سخاوت و اکرام

ای نشان از خدیجۀ کبری وی مرامت ز فاطمه پیغام

السلام ای سلیله الزهرا آیه الله واجب الاِعظام

السلام ای عقیله الثانی زینب دوم از غمِ ایّام

ای رضا را تمام قد شیعه عطر او از تو گردد استشمام

لفظ صدّیقه جزو اَلقابت در صداقت بفاطمه همگام

عابده زاهده محدّثه ای در مقام تو نیست هیچ ابهام

ای به سر سایۀ تو ، اَلمِنَّه اشفعی للغریب فی الجنه

ای مقامت کنیز رحمانی وی به آل رسول ارزانی

ای دل و جان حضرت کاظم وی دلت جلوه گاه سبحانی

ای سفیر بلند آوازه که تویی زائر خراسانی

نام تو هر کجا که می آید آبرو بخش بزم روحانی

دامن نجمه هست گلریزان از تو با غنچه های رضوانی

در حقیقت تویی تویی تسلیم در همه امتحان ایمانی

هر کسی تابع تو می گردد میرسد تا عروج انسانی

ای که در قم بلند مرتبه ای نه فقط بر زنان ایرانی

مورد احترام نوع بشر سایه ات شوکت مسلمانی

ای به سر سایۀ تو ، اَلمِنَّه اشفعی للغریب فی الجنه

یک زن و این همه ثنا بانو ! این همه در خدا فنا بانو !

زن نه دوشیزه ای شرف پرور در تمام زمانه ها بانو !

هجرتت عبرت همه تاریخ در ره یاری خدا بانو !

کربلا را دوباره کردی خلق مثل بانوی کربلا بانو !

هر چه دیدی مصیبت و هجران یاد کردی ز نینوا بانو !

با همین ابتکار زینبی اَت اصل دین را شدی بقا بانو !

آفریدی حماسه ای جاوید با صبوری به ابتلا بانو !

خوش درخشیدی ای ستارۀ عشق در میان ستاره ها بانو !

از مدینه قیام تو تا قم مایۀ نصرت رضا بانو !

انقلاب از تو پا گرفت اینجا ای مجیب امام ما بانو !

درس عشق و شهادت و ایثار از تو شد مشق جبهه ها بانو !

ای مراجع غلام درگاهت وی خلایق ترا گدا بانو !

منتقم را بخوان که می آید به دعای دل شما بانو !

انتقام برادرانت را گیرد از خصم بی حیا بانو

انتقام حسین و زهرا را گیرد از اشقی الاشقیا بانو

ای به سر سایۀ تو ، اَلمِنَّه اشفعی للغریب فی الجنه

با دلی مملو از محبّت تو آمدم در کنار تربت تو

رو سیاه آمدم به شرم حضور تا ببخشد خدا به حرمت تو

بانوی بانوان موسایی ! تشنه ام تشنۀ عنایت تو

من کجا  این حریم با عظمت این هم از شیوۀ کرامت تو

حرم اهل بیت شهر قُمَت مومنین طالب زیارت تو

بر سر شیعه سایه افکنده است از ازل پرتو ولایت تو

خار چشمان دشمنان شَهرَت نور چشمان دوست شُهرَت تو

اسوۀ بانوان نجابت توست الگوی هر زن است عفت تو

ای تجلی گه امام زمان حرم با صفای حضرت تو

جمکران زائر شب و روزت عزّت زائران ز عزّت تو

زائر مشهد الرضا هربار گیرد اذن سفر ز جنّت تو

آستان تو آشیان مَلک مأمن جبرئیل دولت تو

انبیا قدر دان کوثری اَت اولیا مفتخر به نعمت تو

ای شفاعتگر همه شیعه عالمی تشنۀ شفاعت تو

ای به سر سایۀ تو ، اَلمِنَّه اشفعی للغریب فی الجنه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل هفتم؛ بصیرتی ـ اجتماعی**

میثم رنجبر

اسلام ما، طریقت ما، راه و دین ما
كَشتیّ نوح ما، همه حبل المتین ما
اسلام ما، تشیع ما، جان ما سلام
خون لاله ها فدای تو، ایران ما سلام
این راه و رسم سَر به نهادن، حسینی است
كُلاً طریقت همه ی ما خمینی است
این انقلابِ صادره، اسلام سرمدی ست
حكم خمینی است، ز احكام سرمدی ست
درسِ جهاد نقطه ی عطفِ كتاب ماست
خونِ شهید، ضامن این انقلاب ماست
ماندن به ایستادن و در راه و در خطر
یوسف شدن به قیمت یك چاه و در خطر
ما سُفره هایمان پُرِ از نانِ غیرت است
بركت فزونِ سفره ی ما از بصیرت است
سیلی گرفته از شبِ زجریم تا ابد
فرزندِ فجر و عاشقِ فجریم تا ابد
ای دشمنم! بمیر تو در نیّت خودت!
باید بمیری از عصبانیت خودت!
ما آمدیم تا كه جهان بی غرض كنیم
باید معادلات جهان را عوض كنیم
ما سی و پنج سال پُر از استقامتیم
تا لحظه ی ظهور همه راست قامتیم
مانند نامه، شعر، ببین سرگشاده است
این پاشنه به روی دَرَش ایستاده است
این در نظام و پاشنه اش خونِ هر شهید
آرامش من و تو كه مدیونِ هر شهید...
باید بصیر بود در این نام و ننگ ها
باید كه گولمان نزند نقش و رنگ ها
باید بصیر بود و به دشمن امان نداد
در صحنه بود و لحظه ای اصلاً امان نداد
باید بصیر بود و چنان هوشیار بود
فتنه شناس و فتنه كُشِ روزگار بود
باید كه یافت صاحب و ضامن در این مسیر
باید شناخت غافل و خائن در این مسیر
گاهی مسیر حادثه پُر دود می شود
گاهی تمام رود گِل آلود می شود
باید در این مسیر بمانی برادرم
فرقِ سراب و آب بدانی برادرم
هر شاپرك به سوی خدا می بَرَد تو را
این جاده سمتِ كرب و بلا می برد تو را
این انقلاب مفت به دستت نیامده است
با است و بود و گفت به دستت نیامده است
خون ها به پایِ سروِ عزیزِ نظام ریخت
اكنون حلال رشد نمود و حرام ریخت
تقویم را به یادِ شهادت رقم خوریم
بر قطره قطره خون شهیدان قسم خوریم
باید به عهدِ آینه ای در شتاب بود
باید كنارِ خامنه ای هم ركاب بود
خامنه ای؛ خمینی و آئینه ی هم اَند
پرچم به دستِ حضرت عباسِ عالمند
باید فشُرد این همه دستانِ گرم را
همرزم بود حادثه ی جنگِ نرم را
باید بساطِ كفر، بچینیم از جهان
باید كه طرحِ تازه ببینیم از جهان
یا صاحب الزمان تو خودت دستِ ما بگیر
تا در مسیر و راه نگردیم ما اسیر
«سِلمٌ لِمَن سالَمَكُم... پای جاده ایم
حربٌ لِمَن حارَبَكُم... ایستاده ایم!»
\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

حسین صیامی

امروز عراق صحنه پیکار دیگری ست

بر قلب شیعه دشنه خونبار دیگری ست

تبیین قصه گردن عمار دیگری ست

تا فتنه قصد شعله زدن می کند رفیق

دشمن لباس دوست به تن می کند رفیق

فهم خواص دست عوام است ای دریغ

دنیا برای جهل به کام است ای دریغ

وقتی کمک به غزه حرام است ای دریغ

این کوه ادعاست که آورده علم هم

اینجا لباس جهل به تن کرده علم هم

وقتی به روی دوست کسی سنگ می زند

با دست خویش بر رخ خود چنگ می زند

دشمن شناس بودنمان لنگ می زند

با این کلام گوش بدهکار لازم است

در این زمان بصیرت عمار لازم است

با دشمنی اگر چه بسازی تو ارگ ها

در کارزار جای همین لعن و مرگ ها

با ریشه ها بجنگ نه با شاخ و برگ ها

پس تازه نیست مثل قدیم آب می خورد

این شاخه ها ز اورشلیم آب می خورد

هر فتنه آمده است به دنبال صهیونیزم

هر قصه ای ادامه جنجال صهیونیزم

از نیل تا فرات به چنگال صهیونیزم

مرگا اگر که زنده بمانیم آن زمان

الحق که مردگان زمانیم آن زمان

از دست هات خون کبوتر چکیده است

تاریخ ما شبیه تو پستی ندیده است

صهیون بمیر وقت هلاکت رسیده است

آب خوش است بین دهان خشک می شود

از خون غزه ریشه تان خشک می شود

پس راه اگر مقاومتی این چنین بود

حتی هزار داغ دگر دل نشین بود

اینک پیام غزه به عالم همین بود

خیری از این مذاکره ها کس ندیده است

تنها مقاومت به نتیجه رسیده است

هر جنگ تازه رخ بدهد می بریم ما

سرباز های اول این لشکریم ما

از مردمان غزه مگر کمتریم ما

دیگر بس است بازی گندم نمی خوریم

ما از کنار سیدعلی جم نمی خوریم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سید هاشم وفائی

ای علمداران علمداری کنید رهبر اسلام را یاری کنید
بازهم در غربتی پر از خروش "اَین عمار" علی آید بگوش
گوئیا که شام عاشورا شده عشق در این امتحان معنا شده
رفتنی ها می روند از کربلا کیست تا باقی بماند بر وفا
عشق را بار دگر احیا کنید گوش جان خویشتن را وا کنید
رهبری بیدار دل فریاد زد شعله ها بر جان استبداد زد
بی بصیرت، عالمی در غفلت است بی بصیرت، دین حق در غربت است
سعی در راه شریعت لازم است در ره ایمان بصیرت لازم است
دل به سوی کربلا پر می زند نبض ما با نبض رهبر می زند
ما دل خود را به رهبر می دهیم ما به فرمان علی سر می دهیم
جلوۀ ایمان ز رویش منجلی است رهبر بیدار ما "سید علی" است

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمود ژولیده

جان نثارانی که جان را زیر پا بگذاشتند
پا فراز قلّه ی قرب خدا بگذاشتند
تا ز صهبای حقیقت جرعه ای کردند نوش
با بلا قول و قرار کربلا بگذاشتند
ما به خود مشغول و آنان بهر تحصیل کمال
با براق عشق پا در جبهه ها بگذاشتند
ما به دنیا بسته دل آنان زهستی شسته دست
کین چنین پا در حریم کبریا بگذاشتند
تا وضو با خون گرفتند این شهادت پیشگان
سر به سجده در منای قرب لا بگذاشتند
این بر مردان که در عالم ندیده روزگار
گوی سبقت برده وحسرت بهرما بگذاشتند
ما به عشق کربلا دلشاد و آنان رهنمون
با نثار خون در این ره رد پا بگذاشتند
با تن صد پاره گر رفتند از این خاکدان
صد هزاران خاطره ازخود به جا بگذاشتند
شاعر ژولیده می گوید که اندر دار فنا
ما قدم را در کجا آنان کجا بگذاشتند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

یاسر رحمانی

خدا کند نشوم هم کلام بعضی ها
که لعنت است جواب سلام بعضی ها
اگر چه خادم بیت اله اند اما هست
به سوی کفر قعود و قیام بعضی ها
به طرز خوردن شام و شراب مربوط است
اصول و فقه و حرام و حلال بعضی ها
تمام فتنه عالم به دست این آل است
که هست در کف شیطان لجام بعضی ها
خدا گواست ز فعل حرام روئیده
تمام نطفه و لحم و عظام بعضی ها
شده تمام جنایات مصر و سوریه
به نام شیعه و سنی، به کام بعضی ها
ز خون شیعه پاراچنار تا بحرین
اضافه کن همه بر اتهام بعضی ها
هرآنکه در صدد اختلاف افکنی است
یکی است منطق او با کلام بعضی ها
جوان شیعه اگر با بصیرتی نکند
بعید نیست بیفتد به دام بعضی ها
نظر به آیه «بَل هُم أضَل» کن و بنگر
خدا چه گفته به وصف مقام بعضی ها
شبیه عاقبت موج و صخره نزدیک است
سقوط سلطنت و انهدام بعضی ها
خدا کند که بیاید امام غائب ما
به هم زند ز پی و بن نظام بعضی ها
به این دلیل نکردم به نامشان تصریح
که داشت مشکل تطهیر نام بعضی ها

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش پنجم؛ گلچین مجالس مداحان**

**فصل اول؛ شهادت امام حسن عسکری(علیه السلام)**

ترک 01 ـ روضه[[23]](#footnote-23)

گویا دوباره بی کس و بی یار و خسته ای

این روزها کنار دو بستر نشسته ای

انگار غصه دار جراحات سینه ای

گاهی به سامرایی و گاهی مدینه ای

یک بار فکر زهر و دل پر شراره ای

یک بار فکر سیلی و دو گوشواره ای

با اینکه بر سر پدر دیده بسته ای

اما به یاد مادر پهلو شکسته ای[[24]](#footnote-24)

یا امام عسکری شمام تو جوونی به شهادت رسیدید. می گن زیر سی سال حضرت به شهادت رسیده... به شما معتمد زهر داد، جگرتون رُ پاره کرد، شما جوون بودی به شهادت رسیدی، اما مادر ما هجده سال بیشتر نداشت...

امام عسکری رُ به زهر کشتند. سبب شهادتش زهر معتمد عباسی بود...

عزیزت از دنیا بره اجازه دفن نمی دن، مگر اینکه دلیل مرگ مشخص باشه... دلیل شهادت امام عسکری معلومه، اما یه مادر هجده ساله... مادری که بین در و دیوار افتاد رو زمین، دلیل شهادتش چیه؟! امام باقر فرموده سبب شهادت مادر ما...

الهی بشکنه دست مغیره میون کوچه ها بی مادرم کرد

انقد نانجیب با غلاف شمشیربازوی زهرا رُ هدف گرفت... اما سبب شهادت جد غریبش حسین... و الشمر جالس علی صدره...

او می دوید و من می دویدم...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ زمینه[[25]](#footnote-25)

خونش خراب اون که مسمومت کرد از درمون طبیبا محرومت کرد

تو بستری و آروم نداری آقا دستای گرم پسرت آرومت کرد

خونین جگر خونه رو لبات بی رمق شدی بمیرم برات

امام عسکری چرا بی لشگری مثه علی غریبی و بی یاوری

داری آتیش می گیری یاد مادری

خونه شده دار العزا وای از غم زهر جفا

عبا و عمامۀ تو غارت نرفت اهل و عیالت دیگه اسارت نرفت

نیزه و خنجر نخوردی از ظالما سرت رو نیزه به شهر غربت نرفت

ناله می زنی یاد کربلا یاد حنجر شاه سر جدا

یاد حسین تشنه لب گریه می کنی واسه اسیری زینب گریه می کنی

شب و روز از سوز عطش گریه می کنی

خونه شده دار العزا وای از غم زهر جفا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ زمینه[[26]](#footnote-26)

وای از زهر کینه دورم از مدینه

امشب ای خدا دم سفرم ناله می زنم بیا پسرم می سوزه جیگرم

وای سامرا کربلا شده وای حاجت من روا شده

وای مهدی صاحب عزا شده

روز خوش ندیدم دیگه من بریدم

حتی خونمم تحت نظرم تو جوونی با چشای ترم شبیه مادرم

وای غم غربت رو شونمه وای دیگه این نیمه جونمه

وای قبر من بین خونمه

امشب ماه زهرا داره مثل سقا

می رسونه آب به لبای من از راه اومده عاشورای من

وای تا حسینُ صدا زدم وای تشنه لب دست و پا زدم

وای تشنه لب دست و پا زدم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04 ـ نوحه[[27]](#footnote-27)

امام عسکری جانش فدا شد مهدی فاطمه صاحب عزا شد

بقیه الله آجرک الله

یا صاحب الزمان عجل ظهورک

مهدی امشب به بالینش نشسته دلدار عالمین شد دل شکسته

از داغ بابا شد دیده دریا

عالم فدایت ای مهدی زهرا

یا صاحب الزمان عجل ظهورک

اول فدایی راه ولایت از دین حق کرده زهرا حمایت

سورۀ کوثر آورده حیدر

یا صاحب الزمان عجل ظهورک

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05 ـ واحد[[28]](#footnote-28)

سامرا عزا گرفته بوی کربلا گرفته

آسمون داره می باره یا دل آقا گرفته

شب ماتمه برای همه برا آقامون دلا پر غمه

آجرک الله بقیه الله

زندگیم تو این حریمه گریه ارث مادریمه

دستمُ بازم گرفتی این جواز نوکریمه

می دونم بدم ولی اومدم برای بابات به سینه زدم

من تا ابد گدای این خونم نوکر منم فدای تو جونم

با غم تو دوباره می خونم

وقتی که عزا می گیرم روزی از شما می گیرم

روضۀ عطش می خونم بوی کربلا می گیرم

هی میگه رباب پسرم بخواب میاره عمو برای تو آب

عمه میگه بابا داره میاد بابا میگه عمو جون نمیاد

میر حرم نیامد اباالفضل اباالفضل

آب آورم نیامد اباالفضل اباالفضل

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل دوم؛ ولادت پیامبر(صلی الله علیه و آله) و امام صادق (علیه السلام)**

ترک 01 ـ شعر[[29]](#footnote-29)

خبرت هست که آن طاق معلی افتاد

ناگهان کنگرۀ سنگیِ کسری افتاد

خبرت هست ستون های یهودا افتاد

خبرت هست هبل خرد شد عزی افتاد

خبر این است زمین پر شده از آب حیات

آی بر احمد و بر آل محمد صلوات

یک نفر آمده تا بار جهان بردارد

پرده از منظرۀ باغ جنان بردارد

تا که از گردۀ ما یوق گران بردارد

از کران تا به کران بانگ اذان بردارد

آخر از سمت خدا آنکه نیامد آمد

چهارده تن همه با نام محمد آمد

شب شکست و به زمین بارش مهتاب آمد

عشق برقی زد و بر هر دل بی تاب آمد

جبروت و ملکوتی ست که در قاب آمد

فال حافظ زدم و این غزل ناب آمد

گلعذاری ز گلستان جهان ما را بس

زین چمن سایۀ آن سرو روان ما را بس

حق بده دیدن این معجزه حیرت دارد

فقط این ابر به باریدنش عادت دارد

نفسش گرم خدایا چه حرارت دارد

سایه اش نیست و در سایه قیامت دارد

عرشیان را بنویسید پیمبر این است

قبلۀ روز و شب حضرت حیدر این است

کیست این ای نفست پاک تر از پاکی ها

غرق تسبیح بزرگی تو افلاکی ها

اشهد و انَّ که حیران تو بی باکی ها

نوری و نور پراکنده بر این خاکی ها

ای نفس های علی ای همه هست زهرا

عالمی دست تو بوسید و تو دست زهرا

تو درخشیدی و انوار حیات آوردی

سیزده رشته قنات از عرفات آوردی

سیزده چشمۀ جوشان نجات آوردی

سیزده مرتبه بانگ صلوات آوردی

آخرین باده ات از این همه خم می آید

با دعایت علم چهاردهم می آید

ششمین آینه ات آمد و پروانه شدیم

سر زلفی که با مرحمتش شانه شدیم

مرد این راه نبودیم که مردانه شدیم

شیعۀ جعفری و خادم این خانه شدیم

آسمان را کلماتش سخنش پر کرده

و خداوند بر این جلوه تفاخر کرده

گرچه از عطر تو این دشت شقایق دارد

چقدر دور و برت شهر منافق دارد

چه غریبی که فقط چند تن عاشق دارد

دل زهرایی تو صحبت صادق دارد

تو بشیری و به شور ازلی می آیی

سر هر صبح به دیدار علی می آیی[[30]](#footnote-30)

باز پیچیده در این شهر پیامت آقا

پشت یک خانه تو هستی و قیامت آقا

عادت صبح تو شد عرض سلامت آقا

و سلام است فقط تکیه کلامت آقا

از تو داریم سلامی پر عطر و برکات

باد بر احمد و بر آل محمد صلوات

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ شعر[[31]](#footnote-31)

از دل شب زدۀ مکه سحر می آید

عاقبت عمر شب شهر به سر می آید

بال جبریل روی خاک زمین فرش شده

دارد از عرش خداوند خبر می آید

آسمان مات و زمین محو و زمان مبهوت است

مادری در بغلش قرص قمر می آید

حضرت آمنه لبخند روی لب هایش

جای باباش چه خالیست پسر می آید

آمده عرش زند بوسه به خاک گذرش

سیزده نور دگر جلوه کند پشت سرش

امشب از مرتبه و نام و نشان باید گفت

رو نمای قمری تا دم جان باید گفت

همه جا عطر سلام و صلواتش پیچید

بر سر مأذنه ها باز اذان باید گفت

از قدم هاش ببین کنگره ها می شکند

امشب از لحظۀ تغییر زمان باید گفت

با رسولان خدای ازلی از شأن

مقتدای همه پیغامبران باید گفت

خشک دریاچه و آتشکده خاموش شده

امشب از معجزۀ یم جریان باید گفت

لرزه بر پیکرۀ لات و هبل افتاده

از به سر آمدن عمر خزان باید گفت

همه مهمان کرامات خداوند شدند

از کرم خانۀ پیغمبرمان باید گفت

آمدی تا که زمین عرصۀ محشر باشد

حال دیروز دل غم زده بهتر باشد

تو که هستی که خداوند تو هنگامۀ وحی

پیش تو خواست که جبریل کبوتر باشد

تا ببینی رخ خود آینه ای لازم نیست

پیش چشمان تو کافیست که حیدر باشد

خطبه خوانی تو بر منبر عرش است دگر

حاجتی نیست که از بهر تو منبر باشد

به بزرگیت رسولان خدا معترف اند

نیست در رتبه کسی با تو برابر باشد

حق نوشته ست که یک نیمۀ تو از حیدر

دخترت فاطمه هم نیمۀ دیگر باشد

حق نوشته است که از بین مریدان رسول

هرکه شد شیعۀ مولای نجف سر باشد

شکرلله همه هم وطن سلمانیم

ما در اسلام فقط پای علی می مانیم

ششمین حجت حق روی زمین پیدا شد

برهوت دل من با قدمش دریا شد

صادق آل محمد که به دنیا آمد

آسمان در شعف از مژدۀ اعطینا شد

سر خورشید به خاک قدمش افتاده

قعر گهوارۀ او قلب همه دنیا شد

برکت های خدا را به زمین آورده

خاک بی جان به دم فاطمی اش احیا شد

پای درسش زده زانو به خدا روح الامین

گره های همه با بردن نامش وا شد

نام او جعفر و شد کنیه اباعبدالله

کنیه اش گفتم و دل زخمی عاشورا شد

کینه اش گفتم و دیدم سفر کرب و بلا

به نسیم نفس حیدریش امضاء شد

شیعۀ جعفریم سر خوش از این تقدیرم

حضرتش امر کند جان بدهم می میرم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ شعر[[32]](#footnote-32)

ما تشنه ایم و راهی دریا شدن خوش است

سلمانمان کنید که مِنّا شدن خوش است

یا حضرت رسول فدای ملاحتت

با نام دلربای تو شیدا شدن خوش است

از برکت تو سفرة ما رنگ و بو گرفت

پس ریزه خوار سفرة مولا شدن خوش است

ما گم شدیم در دل دنیای بی کسی

پشت در حرای تو پیدا شدن خوش است

خوب است پیش دشمن تو قد علم کنیم

اما مقابل قد تو تا شدن خوش است

خاک در تو از دُر و زر قیمتی تر است

پس ریزه خوار حیدر و زهرا شدن خوش است

ای اعتبار عالم و آدم خوش آمدی

تو مصطفی ای، احمدی، آقا محمدی

با خلقت وجود تو خلقت شروع شد

با جلوة جمال تو عصمت شروع شد

سجاده پهن شد که تو باشی و ذات حق

از آن به بعد بود عبادت شروع شد

عالم برای بوسه به دست تو آمدند

یک واژه ای به نام ارادت شروع شد

با بودنت حلیمه سعدیه دید که

لحظه به لحظه برکت و نعمت شروع شد

دستی نبود تا که نگیرد دعای آن

با مقدم تو سیل اجابت شروع شد

پیغمبرانه بود حضوری که داشتی

آقا نمک به سفرۀ عالم گذاشتی

آقای من تو واسطۀ نشردین شدی

در بدترین زمانه شما بهترین شدی

بر روی مسند نبوی بین انبیاء

دیر آمدی و بر همه بالانشین شدی

چشمان مکه شاهد آقایی تو بود

اینکه تو در تمامی عالم امین شدی

از لحظۀ ولادت خود حضرت رسول

تو رحمت خدایی و للعالمین شدی

عالم فدای نام اباالقاسم شما

زیرا شما قسیم بهشت برین شدی

نقش نگین خاتم تو گشت یا علی

از آن به بعد بود که صاحب نگین شدی

هرجا قدم زدی پر یاس و صنوبر است

قطعا گل محمدی از تو معطر است

باید فقط تو راهی غار حرا شوی

باید فقط تو هم نفس با خدا شوی

با این مقام و منزلت و شأن و عزتت

باید هم آبروی همه انبیاء شوی

تنها به عشق نام تو گلدسته ساختند

تا اشهد اذان همه ماسوا شوی

حق با علی ست غیر علی ناحق اند و بست

یک لحظه هم نشد که تو از حق جدا شوی

بعد از تو هرکسی به علی اقتدا نمود

راه خود از مسیر شیاطین جدا نمود

مولای ما کسی ست که شیر دلاور است

مولای ما کسی ست که با حق برابر است

مولای ما کسی ست که جان و دل تو بود

مولای ما کسی ست که با تو برابر است

مولای ما کسی ست که لایق تر از همه ست

شیر خدا و همسر زهرای اطهر است

مولای ما کسی ست که مثل خدا یکی ست

نامش علی ولی اسدالله حیدر است

مولای ما کسی ست که بابای امت است

مولای ما کسی ست که مولای قنبر است

مولای ما کسی ست که شاگرد درس او

در فقه و در علوم الهیه جعفر است

آنکس که پای مکتب او جان گرفته ایم

درس خدا شناسی و ایمان گرفته ایم

جعفر اگر نبود خدا محوری نداشت

کشتی علم ذات خدا لنگری نداشت

جعفر اگر نبود علوم کتاب حق

سوگند بر خدا که روایتگری نداشت

ما شیعیان عاشق این خانواده ایم

با جان و دل به یاریشان ایستاده ایم[[33]](#footnote-33)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04 ـ شعر[[34]](#footnote-34)

تو آفریده شدی و سرآمدت گفتند

هزار مرتبه احسنت ایزدت گفتند

تو را به سمت زمین با نسیم آوردند

تو آمدی و ملائک خوش آمدت گفتند

نشان دهندۀ معصومی قبیلۀ توست

اگر که قبۀ خضرا به گنبدت گفتند

تمام آل عبا کلنا محمد بود

تو عین نوری و در رفت و آمدت گفتند ـ

ـ اگر چه یک نفری جمع چارده نفری

تو را محمدِ آل محمدت گفتند

شب ولادتت ای یار می کنم خیرات
نثار مقدم خیر تو چهارده صلوات

برای خُلقِ تو باید کنند تحسینت
نشد مشاهده شصت و سه سال نفرینت
هزار و سیصد و هشتاد و چندمین سال است
شدیم کوچه نشینت، شدیم مسکینت
شدیم ریزه خور سفره های سیّدی ات
گدای سفرۀ هر سال چهارده سینت
توآمدی که علی را فقط ببینی و بس
نداده اند به جز دیدۀ خدا بینت
یتیم مکه ای اما بزرگ دنیایی
اگر چه خاک نشینی، همیشه بالایی

مرا اویس شدن در هوای تو کافی ست
اگر چه باز ندیدم، دعای تو کافی ست
همینکه بوی تو را در مدینه حس کردم
لبم رسید به خاک سرای تو کافی ست
چه حاجتی به پسر داری ای بزرگ قریش
همینکه فاطمه داری برای تو کافی ست
همین که اوّل هر صبح پیش زهرایی
برای روشنی لحظه های تو کافی ست
تو آن پیمبر دنباله داری و بعدت
اگر علی تو باشد به جای تو کافی ست
قسم به اشهد ان لااله الا الله
تو آمدی که بگویی علی ولی الله

هزار حضرت مریم کنیز مادر توست
تو را بس است همین که بتول، دختر توست
به دختران فلان و فلان نیازی نیست
اگر خدیجۀ والامقام همسر توست
علی و فاطمه دو رحمت خداوندی
برای عالم دنیا و صبح محشر توست
به یک عروج تو جبریل از نفس افتاد
خبر نداشت که این تازه اوج یک پَر توست
تو با علی جریان ساز شیعه اید ، اما
شناسنامۀ شیعه به نام حیدر توست
همیشه شکر چنین نعمتی روی لب ماست
که جعفر بن محمد رئیس مذهب ماست[[35]](#footnote-35)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05 ـ شعر[[36]](#footnote-36)

چشم تا وا می کنی چشم و چراغش می شوی

مثل گل می خندی و شب بوی باغش می شوی

شکل عبداللهی و تسکین داغش می شوی

می رسی از راه پایان فراقش می شوی

غصه اش را محو در چشم سیاهت می کند

خوش به حال آمنه وقتی نگاهت می کند

با حلیمه می روی تا کوه تعظیمت کند

وسعتش را با سلامی دشت تسلیمت کند

هرچه گل دارد زمین یکباره تقدیمت کند

ضرب در نورت کند بر عشق تقسیمت کند

خانه را با عطر زلفت تا معطر می‌کنی

دایه ها را هم ز مادر مهربان تر می‌کنی

یا محمد عطر نامت مشرق و مغرب گرفت

وقت نقاشی قلم را عشق از راهب گرفت

ناز ِلبخندت قرار از سینۀ یثرب گرفت

خواب را خال تو از چشم «ابوطالب» گرفت

بی‌قرارت شد «خدیجه» قلب او بی‌طاقت است

تاجر خوش ذوق فهمیده‌ست: عشقت ثروت است

نیم سیب از آن او و نیم دیگر مال تو

داغ حسرت سهم ابتر، ناز کوثر مال تو

از گلستان خدا یاس معطر مال تو

ای یتیم مکه از امروز مادر مال تو

روی این دوشت حسین و روی آن دوشت حسن

قاب قوسینی چنین می‌خواست «او ادنی» شدن

خوشتر از داوود می‌خوانی، زبور آورده‌ای؟

یا کتاب عشق را از کوه نور آورده‌ای؟

جای آتش، باده از وادی طور آورده‌ای

کعبه و بطحا و بتها را به شور آورده‌ای

خال تو، سیمای حیدر، نور زهرا دارد او

جای تو خالی! حسین است و تماشا دارد او[[37]](#footnote-37)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک06 ـ سرود[[38]](#footnote-38)

طلوع شمس الضحی مبارک حلول بدر الدجی مبارک

همۀ بت ها فرو می ریزن شادی عرش خدا مبارک

اونکه جا داره بین افلاک پا می ذاره حالا روی خاک

آفرینش به زیر دِینش صاحب تاج نور افلاک

خدا به روی زمین مکه میاد بگو به مردم امین مکه میاد

عالمی سرمست می خونه یک دست ولادت مصطفی مبارک

ترانۀ دلنشین محمد خواجۀ عرش برین محمد

صدا بزن شاه مهربونُ رحمهٌ للعالمین محمد

دینشُ برده زیر دِینش فاتح خیبر و حنینش

مکتبش جاودانی از برکت نهضت حسینش

بوی گلای محمدی پیچیده بگو یا حیدر که زهرا عیدی میده

شب ولادت نوید رحمت به همۀ عاشقا مبارک

دوباره عطر شقایق اومد امید دلهای عاشق اومد

امام باقر پدر شد امشب مدینه میلاد صادق اومد

صاحب درس و منبری تو شیخ صدها پیمبری تو

قلب ما رُ حسینی کردی بهترین شیعه پروری تو

عالم اسیر مرام حیدریه مرام حیدر تو خط جعفریه

اومده امشب رئیس مذهب شیعه ها عید شما مبارک

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07 ـ سرود[[39]](#footnote-39)

فقط ایوون کسری نمی ریزه به پای تو همه دنیا می ریزه

از آسمون داره پیش قدم هات ستاره های هل اتی می ریزه

ترانۀ همه یا اباالزهرا عزیز فاطمه یا اباالزهرا

هرچی بگم کمه یا اباالزهرا

شب تولدت شب جنونه دلای ما داره غزل می خونه

همه دستامونُ بالا میاریم به خدا دستی خالی نمی مونه

یا اباالزهرا یا رسول الله

داره تپش دل همه دقایق دوباره می پیچه عطر شقایق

ازتوی گهواره گفتن امامه امامم امام جعفر صادق

به تو می دم سلام یا عزیز الله آقا تو یک کلام یا عزیز الله

فقط تو رو می خوام یا عزیز الله

تویی پایه گذار فقه و احکام به پای عشق تو کعبه تو احرام

به تبعیت از تو پا می گیرن هزار علامه و حجت الاسلام

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 08 ـ سرود[[40]](#footnote-40)

مکه شده سر تا سر زیبا زیبا شده این دنیا

اومد رسول عشق و رحمت اومد پدر زهرا

می تابه به دلا نور عشق درخشید قمر طور عشق

دل مجنونه می خونه از شور عشق

اگه می خوای که عاشق شی اگه می خوای که لایق شی

اگه غلام زهرایی تو خاک پای مولایی بگو بگو یا رسول لله

یارسول الله یا محمد

کعبه شده مبهوت چشمات زیباست چهرۀ ماهت

عالم تو پناه لطف تو هستم پیرو راهت

پیمبر به خدا بی همتاست پیمبر عاشق خوبی هاست

در محشر هم ضامن ما عاشقاست

اگه می خوای که با مولا بگی از امشب تا فردا

داره می خونه آسمون اومد آقای مهربون بگو بگو یا رسول الله

یارسول الله یا محمد

امشب لحظه لحظه خوشحالم شاد این دل عاشق

برپا شده جشن آقامون جشن حضرت صادق

تبسم رو لبای زهرا تلاطم تو دل دریاها

ما مرهون و مدیونیم به این آقا

رئیس مذهب مولامی دنیا می دونه آقامی

امام صادق می خوامت منم کبوتر رو بامت بگو بگو امام صادق

آقام آقام امام صادق

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09 ـ سرود[[41]](#footnote-41)

دلم اسیر گنبد خضراته کل جهان خاک کف پاهاته

هستی و کائنات و کل عالم مدیون گردش چشماته

مهربون تر از پدر پیغمبر شاه عالمین و از عالم سر

برترین بنده هات شد حیدر

عبد پیغمبرم من مست حیدرم

چون مست حیدرم پس زهراست مادرم

حال و هوام عوض میشه با یادت منم مسلمون شدۀ دامادت

از تو فقط نون و نمک می گیرم هستم نوکر خونه زادت

تو گل سر سبد دنیایی دل خوشی حیدر و زهرایی

عالمی بنده و تو مولایی

من خاک پای تو قلبم شد جای تو

آبرو دارم از لطف چشمای تو

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 10 ـ سرود[[42]](#footnote-42)

منم و بخت بلندم برم احرام ببندم

بشینم گوشۀ کعبه به همه دنیا بخندم

مژده ای دل که مسیحا نفس توی راهه

توی قاب حوض چشماش ببین عکس ماهه

بریزید باده که امشب نمی گن گناهه شبشه خدا گواهه

هوای ربیع الاول هوای بهاری غزلای عاشقونه می خونه قناری

پای چشمه ای که لطف خدا می شه جاری عجب خدایی داری

تو منُ خداپرستم کردی نمی دونی بدجوری مستم کردی

مولا مولا یا رسول الله

قصۀ رأفت و جوده یکی بود یکی نبوده

همۀ عالم امکان زیر گنبد کبوده

به خدا گنبد خضرا دلم رُ ربوده

حرمش تا آسموناست بی حد و حدوده

در رحمتش رو هم روبه عالم گشوده صاحب مُلک وجوده

همونی که میگن اسمش رُ محمود و احمد هرچیم براش بمیری می میری مجدد

می خونه روح الامین از لب حی سرمد صلوات علی محمد

اومده اونکه رسول اللهه روی لبش علی ولی اللهه

مولا مولا یا رسول الله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 11 ـ سرود

یا نبی پیچیده تو مکه از مأذنه دلم برات می زنه گل پسر آمنه

تو نور چشم ما خار چش دشمنا اسم تو و مرتضی پایان حرف خدا

یا محمد رو لبامون همیشه نقل و نباته

یا محمد علت خلق تموم کائناته

یا محمد تا می گم موقع ختم صلواته

نور هدایت دلیل بندگیمه قرآن و عترت کلید زندگیمه

مدد مدد یا رسول الله محمد یا رسول الله

فدای مکتب و تک تک جنگای تو گنبد خضرای تو خاک قدم های تو

بیا بر دامنش دست توسل بزن تا به خدا پل بزن به عرش حق زل بزن

بیا امشب سر زده از آسمون نورالهی

با کلامش عاشقش می شی بخواهی یا نخواهی

صف کشیدن ملائک تو مدینه برا گدایی

با تو دارم من آقا برگ برنده دین بی محمد بگو که سیری چنده

مدد مدد یا رسول الله محمد یا رسول الله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 12 ـ شور[[43]](#footnote-43)

آسمونا رُ ببین چشماشون رو به زمین

می بینن ولادت رحمت للعالمین

طبیب همه دردا اومده حبیب خود خدا اومده

ترانۀ لب فرشته ها یا محمده

تا مدینه دلامون با هوای تو پر زد

السلام علی العشق الدخیل یا محمد

الدخیل یا محمد

راز خلقته همین دریای بی کرونه

سِر نورشُ کسی جز خدا نمی دونه

شبی که شادی زهرا میشه گل یاس عاشقی وا میشه

دلا میشه مثه کبوتری که رها میشه

غرق دریای نورم سر سپردۀ احمد

السلام علی العشق الدخیل یا محمد

الدخیل یا محمد

امشب آسمون دل دشتی از شقایقه

هرچی داره دلامون از امام صادقه

تو دو دنیا شیعۀ جعفری می رسه به مقام سروری

خدا می دونه حرم خداست دل حیدری

جان ما به فدای خاک پای تو آقا

دین و دنیای مایی یابن زهرا یا مولا

الدخیل یا محمد

من در خونتونُ عاشقانه می زنم

امشب حرف دلمُ صادقانه می زنم

همیشه جام میِ رو لبم تا ابد عاشقیه مذهبم

گدای پسرای فاطمه شده منصبم

شد کمال دلم این آستان معلی

من گدای تو هستم یابن زهرا یا مولا

یابن زهرا یا مولا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 13 ـ شور[[44]](#footnote-44)

هواتُ کردم هواتُ عشقه جشن گرفتن برا تو عشقه

میون این همه ذکر و زمزمه زمزمه های صلواتُ عشقه

به عشق تفصیل اومد یا رسول الله وعدۀ انجیل اومد یا رسول الله

رو پر جبریل اومد یا رسول الله نغمۀ ترتیل اومد یا رسول الله

معجزۀ نیل اومد یا رسول الله شور ابابیل اومد یا رسول الله

 یا مولا یا رسول الله

دلاتونُ غرق تبری کنید لعن به دشمنای مولا کنید

یه جور باید تولی رُ نشون داد صلوات بلندی اهدا کنید

سایۀ رحمت تویی یا رسول الله باب کرامت تویی یا رسول الله

شافع امت تویی یا رسول الله به دین شوکت تویی یا رسول الله

صلح و محبت تویی یا رسول الله بانی وحدت تویی یا رسول الله

یا مولا یا رسول الله

زمستونم داره طعم بهارُ ارض و سماء داره ذکر شما رُ

ملائکه نمی تونن بشمرن ثواب ذکر صلوات ما رُ

سلمانٌ مِنّاییم یا رسول الله شیعۀ مرتضاییم یا رسول الله

بچه های زهراییم یا رسول الله همسایۀ رضاییم یا رسول الله

عاشق کربلاییم یا رسول الله نوکرای شماییم یا رسول الله

یا مولا یا رسول الله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل سوم؛ ولادت امام حسن عسکری (علیه السلام)**

ترک 01 ـ شعر[[45]](#footnote-45)

آنقدر آمدند و گرفتارتان شدند

خاک شما شدند و هوادارتان شدند

زیباترین اهالی دنیای عشق هم

یوسف شدند و گرمی بازارتان شدند

لطف شماست اینکه تمامی انبیا

بالاتفاق سائل دربارتان شدند

آنها که پای منت چشم کریمتان

بی سر شدند تازه بدهکارتان شدند

این بال ها که زیر تب عشق سوختند

خاک تبرک در و دیوارتان شدند

ای جلوۀ خدایی بی انتها حسن

خورشید روشن سحر سامرا حسن

امشب عروج زخمی بال مرا ببر

تا سامرا مدینه نجف کربلا حسن

در بین خانوادۀ زهرای مرضیه

باید شود تمام علی زاده ها حسن

زنجیرۀ محبت زهراست دین من

با یک حسین چار علی و دوتا حسن

سوگند می خوریم خدا لشگری نداشت

روی زمین اگر حسن عسکری نداشت

تو کیستی که سائل تو جبرئیل شد

دست فرشته پای ضریحت دخیل شد

تو کیستی که جد نجیب پیمبرت

مهر تو را به سینه گرفت و خلیل شد

تو کیستی که حضرت موسی عصا به دست

ذکر تو را گرفت اگر مرد نیل شد

اصلی که پا گرفت بدون تو فرع فرع

فرعی که پا گرفت کنارت اصیل شد

تنها خدا به خانۀ تو آفتاب داد

بعدا تمام زندگی ات نذر ایل شد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ سرود[[46]](#footnote-46)

آقا تویی که از همه دل می بری ذکر لب من یا حسن عسکری

دعا کن به جون مهدی از زشتیا جداشم

من آرزومه با اذن زهرا به راه تو فداشم

یابن الزهرا یابن الزهرا یا حسن عسکری

مهدی زهرا آقای خوب و زیبا این شب عیدی عیدیمُ از تو می خوام

شب ولادت تو آسمون سامرا غوغاییه

میگن امام عسکری هم مثل علی زهراییه

یابن الزهرا یابن الزهرا یا حسن عسکری

رسم تو ماها که غرق در جنونیم هرشب عیدی ما از علی می خونیم

جون فدای قائم مقام سلسلۀ نبوت

اونکه یه ضربش به روز خندق بالاترین عبادت

یابن الزهرا یابن الزهرا یا حسن عسکری

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03ـ سرود[[47]](#footnote-47)

بارون رحمت روی سر من می ریزه دوباره مستم آخه پیالم لبریزه

بدون که اشک من از خوشحالیمه تموم هستیم این دست خالیمه

ببین که اومده بازم دم خونت گدای قدیمی

همین که اسم تو حسن شده آقا معلومه کریمی

مولا مولا یا اباالمهدی

خدا می دونه چقده توی این شب ها می شم هوایی برا دیدن سامرا

غم از دلم رفت و پرشد از شادی می گیرم عیدیمُ از آقام هادی

گدای سامرام و عمریه دیدم کرم تو آقا

چه سخت کربلا بیام و نبینم حرم تو آقا

مولا مولا یا اباالمهدی

برا شفاعت آقا بسه یک لبخندت خودت دعا کن برا ظهور فرزندت

ببین که از دوریش قلبم پر درده خودت بگو مهدی زود تر برگرده

خدا کنه که من ظهورُ ببینم نذا ناامیدشم

دعام همیشه اینه توی رکابش الهی شهیدشم

مولا مولا یا اباالمهدی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04 ـ سرود[[48]](#footnote-48)

یا اباالمهدی شب میلاده خدا به زهرا باز حسن داده

به خدا گل پسرت تو همه دنیا تکه

گنبد و ضریح نو آقاجون مبارکه

گدای سامرا منم لباس خادمی تنم حرمتُ جارو می زنم حسن

یااباالمهدی

می گیرن عیدی همه با شادی از تودستای امام هادی

ما به سامرا و این حرم تو می نازیم

اگه صد دفعه خراب بشه از نو می سازیم

نشد زدم به هر دری سامرا میام یه سری بطلب امام عسکری حسن

یااباالمهدی

مثل آل الله حیدری هستی حسنی یعنی مادری هستی

از ضریح شیش گوشه توی این دنیا دوتاست

یه دونش تو سامرا یه دونش تو کربلاست

فاطمیه با شور وشین با مدد آقام حسین قرار ما بین الحرمین حسن

یااباالمهدی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05 ـ سرود

قمر بارونه امشب لبا خندونه امشب

ز شادی هر فرشته غزل می خونه امشب

دل شده اسیر به راه او فقیر

گداها جمع بشید اومد امیر

یاس حیدری عزیز داوری

امام عسکری خوش آمدی

امجد است ابا محمد است سرتا به پا شبیه احمد است

دلبر است مثال حیدر است چشمش ستاره و طوبا قد است

آمده جمال ایزد نوۀ رضا خوش آمد

یاس حیدری عزیز داوری

امام عسکری خوش آمدی

بود یوسف شهیدش همه عالم مریدش

خدا مانند مولا چه زیبا آفریدش

روی او حسن گیسوی او حسن

چشم و خم ابروی او حسن

یاس حیدری عزیز داوری

امام عسکری خوش آمدی

جان جان یگانۀ جهان آمده امام کل شیعیان

دلربا امیر باوفا بابای مهدی صاحب زمان

افتخار عالمین است وارث ارباب حسین است

یاس حیدری عزیز داوری

امام عسکری خوش آمدی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06 ـ سرود

قرار کار تو دلبری باشه کار ما کنارت نوکری باشه

چیه بهتر از این که لقب ما گدای امام عسکری باشه

فاطمی عصمت ای علوی صولت

من دخیل می بندم رو پر قنداقت

من و عطای یک نظر تو عالم فدای گل پسر تو

یابن الزهرا

با تو غم از دل مبتلا میره با ذکرت دل من تا خدا میره

کربلایی شدن بنده به امضات راه کربلا از سامرا میره

دلا آوارات لیلی ها بیچارت

صف کشیدن برا دیدن گهوارت

من و عطای یک نظر تو عالم فدای گل پسر تو

یابن الزهرا

ما همه به شور و به التهابیم برای دشمنا اوج عذابیم

اومدیم تا بفهمونیم به دنیا ما همه بچه های انقلابیم

حافظ کشوریم از همه دنیا سریم

تا نفس تو سینه ست پشت سر رهبریم

مطیع محض امر ولییم فدای راه سید علییم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل چهارم؛ وفات حضرت معصومه (علیها السلام)**

ترک 01 ـ روضه[[49]](#footnote-49)

قم شهر مقدس قیام است قم خانۀ یازده امام است

آن روز قرار از ملک رفت ذکر صلوات بر فلک رفت[[50]](#footnote-50)

گر فاطمه دفن شد شبانه نبود ز حریم او نشانه

کی گفته نهان ز ماست آن قبر من یافته ام کجاست آن قبر

آن قبر که در مدینه شد گم پیدا شده در مدینة قم[[51]](#footnote-51)

روزی که به قم قدم نهادی قم را شرف مدینه دادی

با گریۀ شوق و شاخۀ گل بردن به ناقه ات توسل

از شوق تو ای بتول دوم قم داد ندا به مردم قم

کای مردم قم به پای خیزید از هر در و بام گل بریزید

قم شام نبود تا که در آن فریاد زند کسی به مهمان

قم شام نبود تا که از سنگ گردد رخ میهمان ز خون رنگ[[52]](#footnote-52)

قم کوفه نبود تا که خواهر بیند سر نی سر برادر

حاشا که قم این جفا پذیرد مهمان به خرابه جای گیرد[[53]](#footnote-53)

بهترین خونه های قم خونه ی موسی بن خزرج بود. بی بی رُ برد، زن ها هر روز دور او جمع بودند، دعاش می کردند، حدیث می شنیدند. اما این چند روزه حالش وخیم شد. خانوم جان! روزای آخر پرُ بود دور بسترت...

چند نوع روایت برای حضرت زینب نوشتند؛ یکیش اینه فرمود عبدالله خودتم برو می خوام زیر آفتاب جون بدم. یه خبر اینه چشمش به آب جوی افتاد، تو این باغی که عبدالله آورده یه جونی بگیره زینب. یه دفعه گفت قربون لب تشنت داداش. کنار همین آب افتاد و بال بال زد زینب. اما من می گم اون روزی بود که وارد شام شد زینب جون داد...

یه خبر دیگه اینه، تو معالی السبطین هم هست؛ میگه نیزه دارا سرا رُ به نیزه زده بودند می رقصیدند دور محملا. آواز خونا اومدند، هلهله و کف... میگن گاهی سرا می افتاد... میگن سر ابی عبدالله تو دربار یزید بود، سر چیزی ازش نمانده بود... گفتن سرُ بالا نی بزنید، سر حسین از این طرف، این هفده سر از اون طرف...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ نوحه[[54]](#footnote-54)

از دوری تو آخر می میرم ای برادر

شد عمر کوته من چون مادر

هستم تنها یا غریب الغربا من زینب و شهر قم کرب وبلا

شد اشهدم یا علی موسی الرضا

آه رضا جانم رضا

بنگر که نامه ات را برسینه می گذارم

از آسمان چشمم می بارم

خون شد دلم از دوری پدر نیمه جانم در نیمۀ صفر

مانده از تو معصومه بی خبر

آه رضا جانم رضا

درقم که بر سر من گل ریزد از سر بام

هستم به یاد زینب وای از شام

گرچه دیدم غمهای بی حساب کی دستانم شد بسته با طناب

کی رفتم من در مجلس شراب

آه حسین جانم حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ واحد[[55]](#footnote-55)

یه خواهر دلخون ز راه اومده با قلبی پریشون با غصۀ مجنون

با چشمی پر از اشک و آه اومده

آخه نداره دیگه صبر و قرار با قلبی پر ازغم با اشکای نم نم

فقط داره شوق زیارت یار

روزی که سفر کرد چه آرزوها داشت رو لب ها نوای رضا یا رضا داشت

دلش بی قراره برای برادر ولی نداره دیگه تاب سفر

به در شده خیره دو تا چشم خیسش شاید بیارن از آقاش یه خبر

واویلتا واویلتا واویلتا واویلا

می دونی چقد سخته دلواپسی می دونی که سخته چقد بی قراری

اگه که باشی چشم به راه کسی

 با قلب پر از حزن و ناله بگو آیینۀ زینب برای ما امشب

از روضۀ یاس سه ساله بگو

بگو به شب غصه هاش سحر اومد بگو باباش اومد ولی با سر اومد

چی میشه برامون تو روضه بخونی بخونی از اون قامت کمونی

بگو برامون از اون چشمای نیلی بخون از اون لبهای خیزرونی

واویلتا واویلتا واویلتا واویلا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل پنجم؛ شور حسینی**

ترک 01 ـ شور[[56]](#footnote-56)

من تو رُ دارم هیچی نمی خوام کرب و بلاته آخر دنیام

من نمی دونم چقد تو خوبی هواتُ کردم دم غروبی

مهربون تر از بابامی تو همونی که می خوامی

ته هر لطف و مرامی یه کلام آخه آقامی

آقامی همۀ دنیامی به خدا رویامی همه جا باهامی

اربابم یا حسین

از همه سیرم از خودم حتی دیگه بریدم از همه دنیا

گوشۀ هیئت دلم گرفته دلم هوای حرم گرفته

اسم تو که دم گرفتم کربلا قدم گرفتم

دوست دارم عکسی که آقا خودم از حرم گرفتم

مهربون تر از بابامی تو همونی که می خوامی

ته هر لطف و مرامی یه کلام آخه آقامی

آقامی همۀ دنیامی به خدا رویامی همه جا باهامی

اربابم یا حسین

حسرت من شد یه حرم آقا با پدر و با مادرم آقا

غریق رحمت کن پدرم رُ داده نشونم راه حرم رُ

چقد از حرم شنیدم از تو دلبرم شنیدم

اولین بار اسمتُ از لب مادرم شنیدم

مهربون تر از بابامی تو همونی که می خوامی

ته هر لطف و مرامی یه کلام آخه آقامی

آقامی همۀ دنیامی به خدا رویامی همه جا باهامی

اربابم یا حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ شور[[57]](#footnote-57)

دلِ تنگم آواره میشه بدون حسین توی رویا پریده تو آسمون حسین

شب جمعه که میره دلم همش به حرم می شینه دل پایین پای جوون حسین

بازم ارباب دلم هوای کربلاتُ داره دلم شوق نظر به گنبد طلاتُ داره

خاک پای زائرای کربلا رو چشم یه عمریه حسرت زیارتُ می کشم

شب و روزم دعای قنوت من همینه الهی باز مسافر شیش گوشه بشم

توی دنیا بهشت بین الحرمینُ عشقه می خونه دل تو اربابا فقط حسینُ عشقه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ شور[[58]](#footnote-58)

نیمه شبای کربلا به خدا رویای منه

غروب بین الحرمین جلوی چشمای منه

به هوای حرم به زیر پرچمت می خونم گریه می کنم برا غمت

تا دوباره بیاد آقا محرمت

تو دنیای منی آقای منی ارباب منی

من مجنون توام لیلای منی ارباب منی

لبیک لبیک اباعبدالله

چقد دلم تنگ برا شبای جمعۀ حرم

چند سالیه منتظرم تا نوبتم بشه برم

نگاتُ بر نداری از دلم آقا من التماست می کنم تو رُ خدا

بذار یه بار دیگه بیام به کربلا

تو تکیه گاه منی سر پناه منی ارباب منی

من نوکر توام پادشاه منی ارباب منی

لبیک لبیک اباعبدالله

نمی ره از فکرم آقا روضۀ قتلگاه تو

هنوز می سوزونه دلُ صدای سوز و آه تو

با لب تشنه از قفا برید سرت نشسته و داره می بینه مادرت

می زنه بر سر و می خونه خواهرت

تو پاره پاره تنی چرا بی کفنی سالار منی

من در هجوم نگاه تو صدام می زنی سالار منی

لبیک لبیک اباعبدالله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل ششم؛ شور علوی**

ترک 01 ـ شور[[59]](#footnote-59)

دلبری سروری محشری علی یا علی صاحب و ساقی کوثری علی یا علی

صاحب تیغ دو سر علی علی یا علی مرد نبرد و خطر علی علی یا علی

شاه قضا و قدر علی علی یا علی

یا علی تاب و توان ما یا علی خط امان ما یا علی ای ضربان ما یا علی

اذن دخول حرم علی علی یا علی سایۀ روی سرم علی علی یا علی

قبله و کعبه و حج علی علی یا علی پرچم روز فرج علی علی یا علی

یا علی مالک لا فتی یا علی معنی انما یا علی ای هنر خدا یا علی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل هفتم؛ نواهای بصیرتی**

ترک 01 ـ واحد سبک

بچه ها یادتون نره حال و هوای شهدا
شماها رُ قسم می دم به مادرای شهدا
آه اونها که دادن مهجور و گمنام جووناشونُ در راه اسلام
آی بچه ها خوبه که ما پیرو ِاونها باشیم
فداییِ عشق حسین مثل شهیدا باشیم
آه آه و واویلا

راه شهیدا راهیه که واقعاً خداییه
صراط مستقیمه و مسیر کربلاییه
آه راه شهیدا راه حسینی موندن تا آخر یار خمینی
باید ما هم مثل اونا یار ولی بمونیم
همیشه یار و یاور سید علی بمونیم
آه آه و واویلا

پیچیده تو فضای دل عطر مزار شهدا
از کنار مزارشون دلا می ره کرببلا
آه چه کربلایی که خاک درده هنوز یه خواهرداره می گرده
نمی بینه تو قتلگاه پیکر نور عینُ
پیدا نمی کنه تن ِبی کفن حسینُ
آه آه و واویلا

آی شهدا بیاید به یاد کربلا گریه کنیم
بیاید برای غربت خون خدا گریه کنیم
آه برا غریبی که سر جدا شد ذبیحُ العطشان به کربلا شد
به یاد داغ کربلا جون ها رسیده بر لب
فقط خدا می دونه که چه ها کشیده زینب
آه مظلومه زینب

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ نوحه
 حجاب تو ای خواهر مسلمان       بود اطاعت از کلام قرآن
 چادرت زینت است           پاکی طینت است
 مکر عدو نقش بر آب است           عزت تو حفظ حجاب است

 یا زهرا یا زهرا یا زهرا

  با ظاهری اسلامی و مصفا       تو وارثی به زینب و به زهرا
 چادرت سلاح است        روزشان سیاه است
 مکر عدو نقش بر آب است            عزت تو حفظ حجاب است
 یا زهرا یا زهرا یا زهرا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ نوحه

سرباز پیغمبر شهید گمنام       سلام ِخدا بر شهید گمنام
ذکر دل ما در سوگ آنها
واویلا واویلا آه و واویلا

اینها فدایی راه ولایند      اصحابِ شهیدِ کرببلایند
آن نور دلها فرزند زهرا
واویلا واویلا آه و واویلا

او که شد کشته ی امر به معروف       در خون آغشته ی امر به معروف
بین دشمن ها غریب و تنها
واویلا واویلا آه و واویلا

ای جان فدایان راه سعادت         ما را نزد خدا کنید شفاعت
قسم به طاها به حقّ زهرا
واویلا واویلا آه و واویلا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04 ـ شور

با اذن فرمانده دلداده ی رزمیم       در جبهه ی شامات آماده ی رزمیم

ما با خمینی عهد و پیمان وفا بستیم     ما پیرو راه شهیدان بوده و هستیم

ما با ولایت پشت استکبار بشکستیم

ما یار مظلومانیم                   در مکتب قرآنیم

با یاری آلُ الله                    پیروز هر میدانیم

لبَیکَ یا ثارَالله

از چنگ استکبار آن بی حیای شوم         باید شود آزاد سوریه ی مظلوم

یا رب به حقّ حضرت زینب عنایت کن  ما را تو اهل بندگی اهل سعادت کن

از راهیان راه ایثار و شهادت کن

در راه حق می مانیم               شعر وفا می خوانیم

با یاری آلُ الله                     پیروز هر میدانیم

لبَیکَ یا ثارَالله

ما جملگی هستیم فرزند عاشورا              از نسل مُغنیه از نسل همت ها

ما که به عشق آل پیغمبر گرفتاریم    در راه اسلام هر بلا بر جان خریداریم

با یا حسین و یا اباالفضل مرد پیکاریم

از لشگر شیرانیم                         ما گوش بر فرمانیم

با یاری آلُ الله                         پیروز هر میدانیم

لبَیکَ یا ثارَالله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05 ـ نوحه

فداییان دین و مکتب اسلام      سلام خدا بر شهیدان گمنام
لاله های سرخ باغ حسینی یاران انقلابی ِخمینی
یا زهرا یا زهرا یا فاطمه جان

خوش آمدید ای شهیدان        ای زائران دشت کرببلایی
ای مهمانان حضرت ثارلله سلامٌ علیکم یا انصارَالله
یا زهرا یا زهرا یا فاطمه جان

ای اختران نور افروز قیامت        ما را شفاعت کنید روز قیامت
نموده اید عاشق کُلّ دل ها را یادتان نَرَوَد در محشر ما را
یا زهرا یا زهرا یا فاطمه جان

شما را قسم به آن دستان بسته      شما را قسم به پهلوی شکسته
می گویم با سوز و چشمان گریان ما را شفاعت کنید ای شهیدان
یا زهرا یا زهرا یا فاطمه جان

شما را قسم به آن قدّ خمیده      شما را قسم به دستان بریده
به حقّ حسین آن کشته ی عطشان ما را شفاعت کنید ای شهیدان
یا حسین یا حسین اباعبدالله

به حقّ آن لحظه که جانش فدا شد      سرش به گودال ِخون از تن جدا شد
خورده بر او تیغ و نیزه ی عُدوان ما را شفاعت کنید ای شهیدان
یا حسین یا حسین اباعبدالله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06 ـ شور

ما تحت لوای اهل بیتیم          مدیون عطای اهل بیتیم

در خطّ ولایت فقیه و             راه شهدای اهل بیتیم

با یاد امام و                 با یاد شهیدان

در مکتب عترت             در وادی قرآن

ما دشمن دشمن خداییم         عشاق علی مرتضاییم

از لطف حق و دعای زهرا       ما سینه زنان کربلاییم

مولا یا حسین عزیز زهرا

پیروزی مسلمین عالم              با نور ولا بود مسلّم

ما زاده ی فاطمیه ایم و            فرزند دلاور محرّم

بوی ظلم و کینه               می رسد به شامه

از سوی دمشق و             غزّه و منامه

عجّل لظهورک یا مولا            ای گل پسر غریب زهرا

تا که به ظهور تو ببینیم           نابودی صهیونیستیان را

مولا گل فاطمه یا مهدی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07 ـ سرود

ربیعه و وقت سرور و هم عهدی رسیده ایام امامت مهدی

عشق تو تار و پود ما همه ذکر تو رو لبا به زمزمه

هر کاری برا تو کنیم به خدا کمه

سیدی ای عزیز فاطمه

برا حسینی ها عشق تو ایمانه نه ربیع مثل نیمه ی شعبانه

می خونم مدیحه برای تو با دم همه نوکرای تو

سیدی جون ما فدای تو سیدی

سیدی ای عزیز فاطمه

به عالمی منجی به عالمی موعود میشه با تیغ تو وهابیت نابود

یاور بشریتی آقا دشمن وهابیتی آقا

روح صلح و بهار امنیتی آقا

سیدی ای عزیز فاطمه

نهان به دل لعنت می گیم و می شماریم اینه تبرایی که روی لب داریم

لعنت ِ ابدی به دشمنا فرقه ی صهیونیست و آمریکا

از سوی همه ی حسینی ها نوکرا

سیدی ای عزیز فاطمه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش ششم؛ سبکهای یاس کبود**

ترک 01 ـ زمینه شهادت امام عسکری(علیه السلام)[[60]](#footnote-60)

لرزه گرفته دستاش     توون نداره پاهاش
مثل کربلایی هاس خشکی لبهاش
داره سوسو می زنه ستاره   تا کهکشونا ره سپاره
دل زمین پر از شراره وای
همه نفسا میون سینه     ذکر لب ما فقط همینه
تو ای شمس ولایت   تو ای رکن هدایت به قربان نخ شال عزایت

با چشایی دریایی          با صدایی زهرایی
میگی سید اهلی مهدی کجایی
چشم تو چشمای تو مهدی دوخته       رنگ چهره ات برافروخته
آخ بمیرم جیگرت سوخته وای
تا دم سحر وقتشه سفر     شب جمعه ای میگی با دلبر
تو ای قامت قیامت    پیمبر گفت سلامت فدایت آخرین نور امامت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ سرود ولادت پیامبر(صلی الله علیه و آله) و امام صادق(علیه السلام)[[61]](#footnote-61)

همه جا عطر محمد مي رسه صداي احمد

آسمون داره مي خونه مصطفي به دنيا اومد

سلام به او داده خدا دلا به عشقش مبتلا

براي ديدن رخش فرشته ها دست به دعا

مسيح و كليم و يوسف و خليل بي تابش

جبرئيل اومده زانو زده پيش اربابش

ابالزهرا ابالزهرا خوش اومدي خوش اومدي يا رسول الله

اومده نبي خاتم رحمته براي عالم

كاش بشه زير قدومش سرمُ براش مي دادم

با اين تولد عظيم جَمعه ديگه بساط كفر

با شور و شوق و اشتياق همه ميگن خدا رُ شكر

زمين و زمان و صغير و كبير محتاجش

نوري ز خداي رحمان و رحيم شد تاجش

ابالزهرا ابالزهرا خوش اومدي خوش اومدي يا رسول الله

الا اي دلاي عاشق اومده امام صادق

سر راش دارن ملائك مي ريزن گل شقايق

ششم امامه و ولي ذكر لبش مولا علي

رو دست باقر العلوم نور خدا شد منجلي

شهر مدينه و تموم خونه گلبارون

رحمت خدا برسر همه چون بارون

گل زهرا گل زهرا خوش اومدي خوش اومدي اي گل زهرا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ شور ولادت امام عسکری(علیه السلام)[[62]](#footnote-62)

به عشق مولا تو دل محشریه می خونه این دلی که حیدریه

تا ابد خاک در عسکریه

خورشید تو صف و می شه مشتری بس که دلُ از دلها می بری

به خدا محشری توی سرها سری

گل پیغمبری گدا رو می خری

حسن حسن حسن حسن یاحسن عسکری

سیدی مولا مددی

اسمی که غوغاست تو اسما حسنه ضربان دل من یا حسنه

پُری پیالمون با حسنه

آقا تویی و عالم زیر پات آروم نمیشه این دل جز نگات

دامنت رُ آقا نگیرم من چرا

با دلم را به راه پر می زنم سامرا

حسن حسن حسن حسن یا حسن عسکری

سیدی مولامددی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04 ـ زمینه وفات حضرت معصومه(علیها السلام)[[63]](#footnote-63)

کبوتر دلم هوائیه به سمت حرم تو راهیه

میون حرمت صفائیه یا معصومه

دلم امشب کنار حرمت آرومه

 انگار اینجا ضریح فاطمه معلومه

دست خالیم به دامن تو یا معصومه

دلدار و دلبر سالار و سرور

فدات بشم ای شفیعۀ محشر

یا معصومه

تو داروی همه دردا شدی تو صاحب دلای ما شدی

تو زینب امام رضا شدی یا معصومه

به دلای شکستۀ ماها تابیدی

تو پناه همه مراجع تقلیدی

اسم ما رُ میون زائرات جا میدی

جون دادی آخر دور از برادر

فدات بشم ای شفیعۀ محشر

یا معصومه

به دور ما تموم محرما هی گل می ریختن رو سر ما

ولی امون از شام بلا واویلتا

کی دیدم من قد خمیدۀ آقامُ

کی دیدم من تن کشیدۀ آقامُ

کی دیدم من سر بریدۀ آقامُ

اما یه خواهر به زیر خنجر

می بینه تنها داداششُ بی سر

غریب مادر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05 ـ واحد سبک حضرت معصومه(علیها السلام)[[64]](#footnote-64)

نام خواهر با برادر همیشه با هم عجینه

توی شادی توی غم ها بودن با هم شیرینه

بعد خدا بعد پیمبر بعد امام پدر یا مادر

بالاترین عشقه تو دنیا عشق خواهر به برادر

قدر همُ بدونیم کنار هم بمونیم

یا الهی می خوام امشب بگم از اونکه یه دریاس

توی دنیا بین زن ها اشبه الناس به زهراس

برا داداشش کشته مُردس توی سینش یه دنیا غصه س

از غم فراق اینقدر زیر لب هاش ذکر روضه س

هی میگه که دلخوشیم تو عاقبت می کشیم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**منابع**

* 1. قرآن کریم
	2. نهج البلاغه
	3. بحار الانوار، محمد باقر مجلسى، بيروت، مؤسسه الوفاء، 1403 ق
	4. سوگنامه آل محمد، محمدی اشتهاردی، قم، ناصر، 1370ش.
	5. منتهی الامال، شیخ عباس قمی، قم، انتشارات هجرت، 1375ش.
	6. محجّه البيضاء، فیض کاشانی، مشهد مقدس، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی،1372ش.
	7. اصول کافى، کلینى، تهران، مکتبة الصدوق، 1381 ق .
	8. إكمال الدّين شيخ صدوق، قم، دارالکتب اسلامیه، 1395ق.
	9. ریاحین الشریعه، ذبیح الله محلاتی، تهران، دارالکتب اسلامیه،1370 ش.

**محصولات تولیدی**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  | نام کتاب | موضوع |
| 1 | بهشت خاکی ـ باران غربت | شوال |
| 2 | امام مهربانی ـ سلسله عاشقی ـ مهربانترین پناه | ذی القعده |
| 3 | بهار ولایت ـ حرای غدیرـ همای غدیر | ذی الحجه |
| 4 | آتش عشق ـ الظلیمه ـ نوحوا علی الحسین | محرم |
| 5 | صفرنامه ـ منبر اشک ـ حماسۀ وارثین | صفر |
| 6 | خورشید عالمتاب ـ ربیع الایام | ربیع الاول و ربیع الثانی |
| 7 | یاس کبود ـ یاس کبود2 | میلاد حضرت زینب(سلام الله علیها)ایام فاطمیه |
| 8 | مادر آسمانی ـ بانوی باران | میلاد حضرت زهرا (سلام الله علیها)وفات حضرت ام البنین (سلام الله علیها) |
| 9 | عطر بهشت ـ صراط الجنه | رجب |
| 10 | نورٌ علی نورٌـ فصل وصل | شعبان |
| 11 | هلال نیایش ـ شبهای بی قراری | رمضان |
| 12 | فصلنامه یاس کبود 2 و1 | دروس تدریس شده اساتید در اجتماع عمومی حسینیه شهدای بسیج |
| 13 | جزوه آموزشی دستگاههای آواز | ــــــــــــــ |
| 14 | جزوه آموزشی دوره مقدماتی به پیوست دروه تکمیلی | ــــــــــــــ |
| 15 | دفتر اول شعر نوجوانان | سطح 1 آموزش مداحی نوجوانان |

**سلسله کتب آموزش مداحی جلد اول ـ دوره عمومی**

این کتاب شامل سه بخش عملی و تئوری می باشد.

مواد درسی بخش اول ـ دروس مهارتی ـ عبارت است از:

1. آموزش زمزمه بر مبنای دستگاه های آوار سنتی.
2. آموزش روش انتخاب شعر و سبک گذاری بر مبنای دستگاه های آواز سنتی.
3. آموزش رو خوانی و روانخوانی دعای توسل و زیارت عاشورا.
4. آموزش اصول و فنون نوحه خوانی.
5. اصول و فنون مداحی ( خلاصه دروس ارائه شده در جلسات مجمع یاس کبود).

و اما مواد درسی بخش دوم ـ تربیت و معرفت دینی ـ عبارت است از:

1. احکام عمومی.(خلاصة رسالة امام خمینی رَحِمَهُ الله)
2. احکام تخصصی(هیأت).(استخراج از رسالة مراجع عظام)
3. آشنایی با اسامی، عبارات، ترکیبات و اصطلاحات عاشورایی.(خلاصه فرهنگ عاشورا تألیف استاد جواد محدثی)

و مواد درسی بخش سوم ـ بصیرت مداحی ـ عبارت است از:

1. بازخوانی نقش محرم در انقلاب اسلامی
2. کارکردهای هیآت مذهبی
3. هیآت و وظایف مهم آن
4. عبرتهای نهضت حسینی
5. هیآت و آسیبها
6. تفرقه افکنی میان شیعه و سنی

**سلسله کتب آموزش مداحی جلد دوم ـ دوره متوسطه**

این کتاب شامل سه بخش مهارتی، معرفتی و بصیرتی می باشد.

مواد درسی بخش اول ـ دروس مهارتی ـ عبارت است از:

* 1. دستگاه های آوار.
	2. آموزش آموزش روش انتخاب شعر و کاربردی کردن اموخته هتای سبکی در دستگاه های آواز.
	3. آموزش ادعیه و زیارات ؛ شامل دعای کمیل و دعای ندبه.
	4. آموزش سبکهای مجلسی سنتی.
	5. آموزش روش تهیه مجلس دهه ی محرم شبهای اول تا پنجم.

و اما مواد درسی بخش دوم ـ معرفت دینی ـ عبارت است از:

* + 1. قصص انبیاء.
		2. مقتل امام حسین(علیه السلام).
		3. تاریخ شهادت معصومین(علیهما السلام).
		4. آیین روضه خوانی.
		5. ادبیات فارسی.

و مواد درسی بخش سوم ـ بصیرت مداحی ـ عبارت است از:

* + - 1. اهداف نهضت عاشورا.
			2. عزاداری، سنت یا بدعت.
			3. نهضت حسینی و رسالت مبلغان دینی.
			4. عاشورا و جریان شناسی نفاق.

**سلسله کتب آموزش مداحی جلد سوم ـ دوره تکمیلی**

این کتاب شامل سه بخش عملی، تئوری و بصیرتی می باشد.

مواد درسی بخش اول ـ دروس عملی ـ عبارت است از:

1. آموزش مولودی خوانی شامل آموزش شعرخوانی و سرودخوانی.

2. آموزش انتخاب شعر مولودی خوانی و کاربردی کردن آموخته های سبکی در فصل قبل.

3. آموزش تهیه مجلس دهه محرم؛ شبهای ششم تا یازدهم، مصائب کوفه و شام و اربعین.

4. آموزش تهیه مجالس معصومین.(علیهم السلام)

5. آموزش دستگاههای آواز.

و اما مواد درسی بخش دوم ـ تئوری ـ عبارت است از:

* + - 1. اخلاق.
			2. آداب دعا و مناجات.
			3. تاریخ اجتماعی سیاسی ائمه.
			4. اصول عقاید.
			5. ادبیات عربی.

و مواد درسی بخش سوم ـ بصیرت مداحی ـ عبارت است از:

عاشورا و رسالت نخبگان.

حادثه عاشورا و نقش مثبت و منفی خواص.

امام حسین(علیه السلام) پیشوای اصلاح طلبی اصول گرایانه.

حماسه ی عاشورا و معیارهای عزت و ذلت ملتها.

 **جهت تهیه محصولات با شماره 35947738 تماس حاصل فرمایید.**

1. . شوری، 23. [↑](#footnote-ref-1)
2. . خلاصه ای از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار ذاکرین اهل بیت علیهم السلام 13/3/89. [↑](#footnote-ref-2)
3. چگونه از حنجره و صداي خود مراقبت کنيم؟، دکتر مسعود قاسمي و مهدي دارويي، ص20. [↑](#footnote-ref-3)
4. . نهج البلاغه، حكمت 374. [↑](#footnote-ref-4)
5. . غررالحكم، ج2، ص611، ح3648. [↑](#footnote-ref-5)
6. . بحارالانوار، ج 44، ص 329. [↑](#footnote-ref-6)
7. . بقره، آیه249. [↑](#footnote-ref-7)
8. . هود، آیه40. [↑](#footnote-ref-8)
9. . این بخش خلاصه ای از بیانات سردار نقدی در اجتماع عمومی ذاکرین اهل بیت علیهم السلام در مجمع ادبی مذهبی یاس کبود می باشد. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوگنامه آل محمد، محمدی اشتهاردی، صفحه ی 147. [↑](#footnote-ref-10)
11. . همان، ص148. [↑](#footnote-ref-11)
12. . همان، ص151. [↑](#footnote-ref-12)
13. . فضایل و مناقبت اهل بیت، عبداللطیف بیرجندی، ص31. [↑](#footnote-ref-13)
14. . همان [↑](#footnote-ref-14)
15. . همان، ص32. [↑](#footnote-ref-15)
16. . منتهی الامال، شیخ عباس قمی، ص177. [↑](#footnote-ref-16)
17. . همان، ص178. [↑](#footnote-ref-17)
18. . محجّه البيضاء، فیض کاشانی، ج 3، ص 33. [↑](#footnote-ref-18)
19. . إكمال الدّين شيخ صدوق، ج 2، ص 384، ح 2. [↑](#footnote-ref-19)
20. . كافى، کلینی، ج 2 ص 469. [↑](#footnote-ref-20)
21. . ریاحین الشریعه، ذبیح الله محلاتی، ص 32. [↑](#footnote-ref-21)
22. . همان [↑](#footnote-ref-22)
23. . با نوای : حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-23)
24. . علی زمانیان [↑](#footnote-ref-24)
25. . با نوای : حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-25)
26. . با نوای: کربلایی روح الله بهمنی [↑](#footnote-ref-26)
27. . با نوای : کربلایی محمد حسین پویانفر [↑](#footnote-ref-27)
28. . با نوای : حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-28)
29. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-29)
30. . هر روز در خانۀ فاطمه رُ می زد هر روز دق الباب می کرد. می فرمود السلام علیکم یا اهل بیت النبوه... یه بار، سه بار سلام کرد تا جواب از داخل خانه شنیده شد. فاطمه جان صدای باباتُ نشنیدی؟ عرضه داشت آری بابا جان شنیدم. چرا جواب ندادی؟ عرضه داشت بابا می خواستم بیشتر این سلامُ از دهانتون بشنوم. چقدر صدای لطیفی داشت رسول اکرم... [↑](#footnote-ref-30)
31. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-31)
32. . با نوای : حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-32)
33. . مهدی نظری [↑](#footnote-ref-33)
34. . با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-34)
35. . علی اکبر لطیفان [↑](#footnote-ref-35)
36. . با نوای : حاج عبدالرضا هلالی [↑](#footnote-ref-36)
37. . قاسم صرافان [↑](#footnote-ref-37)
38. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-38)
39. . با نوای : حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-39)
40. . با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-40)
41. . با نوای : کربلایی حنیف طاهری [↑](#footnote-ref-41)
42. . با نوای : کربلایی حسین طاهری [↑](#footnote-ref-42)
43. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-43)
44. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-44)
45. . با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-45)
46. . با نوای : حاج مهدی سلحشور [↑](#footnote-ref-46)
47. . با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-47)
48. . با نوای : روح الله بهمنی [↑](#footnote-ref-48)
49. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-49)
50. . اون روزی که اومدی به قم، موسی بن خزرج مهار ناقتُ گرفت، داد می زد: مَن مثلی؟ [↑](#footnote-ref-50)
51. . فرمود هرچی می خوای کنار قبر دخترم بهت بدم، برو کنار قبر فاطمه ی معصومه. [↑](#footnote-ref-51)
52. . می سوخت گلوی زین العابدین... خاکستر ریختن گلو داره می سوزه... غلُ کنار بزن یه ذره نفس بکشم... [↑](#footnote-ref-52)
53. . غلامرضا سازگار [↑](#footnote-ref-53)
54. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-54)
55. . با نوای : حاج مهدی سلحشور [↑](#footnote-ref-55)
56. . با نوای: کربلایی محمدحسین پویانفر [↑](#footnote-ref-56)
57. . بانوای : کربلایی مهدی مختاری [↑](#footnote-ref-57)
58. . با نوای: کربلایی محمدحسین پویانفر [↑](#footnote-ref-58)
59. . با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-59)
60. . منصور عرب [↑](#footnote-ref-60)
61. . حیدر عمادی [↑](#footnote-ref-61)
62. . منصور عرب [↑](#footnote-ref-62)
63. . ایمان مقدم [↑](#footnote-ref-63)
64. . منصور عرب [↑](#footnote-ref-64)